

تحلیل تجارب زیسته اعضای هیئت علمی دانشگاه از پیوند آموزش و پژوهش^۱

فاطمه طالبیان شریف^۲

رضوان حسین قلی زاده^۳

محمدرضا آهنچیان^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۲

چکیده

مسئله و هدف: با وجود اهمیت آموزش و پژوهش به عنوان دو کارکرد اصلی دانشگاه‌ها و پذیرش این مفروضه جهانی که پژوهش برای آموزش سودمند است و همچنین مبهم بودن جایگاه این دو در سیاست و عمل آموزش عالی، هدف اصلی این پژوهش، تحلیل تجارب زیسته اعضای هیئت علمی گروه علوم انسانی (الف) از پیوند آموزش و پژوهش در دانشگاه فردوسی مشهد است.

روش کار: برای دستیابی به این هدف، از روش پژوهش کیفی، از نوع پدیدارشناسی توصیفی بهره گرفته شد. کلیه اعضای هیئت علمی گروه علوم انسانی (الف) سرآمد آموزش و پژوهش در دانشگاه فردوسی مشهد جامعه مورد مطالعه را تشکیل دادند که مشتمل بر ۴۸ نفر بودند. از این میان، ۲۰ نفر به عنوان مطلعان کلیدی و با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. جهت گردآوری داده‌های مورد نیاز از مصاحبه نیمه ساخت یافته استفاده شد. داده‌های حاصل با استفاده از شیوه کدگذاری باز و محوری تحلیل شد.

یافته‌ها: بر اساس یافته‌های این پژوهش، چهارده مقوله اصلی با هدف درک ماهیت آموزش و ماهیت پژوهش، هفت مقوله اصلی حول محور رابطه آموزش و پژوهش و چهارده مقوله اصلی به عنوان عوامل پیش‌برنده و بازدارنده رابطه آموزش و پژوهش شناسایی و استخراج شد.

نتیجه‌گیری: نظر به تجارب زیسته اعضای هیئت علمی مورد مطالعه بین آموزش و پژوهش در دانشگاه فردوسی مشهد رابطه وجود دارد و جهت این رابطه به دو شکل مثبت و منفی قابل ملاحظه است. به نظر می‌رسد رابطه بین پژوهش و آموزش برحسب مقطع تحصیلی و ماهیت رشته تحصیلی نسبی است. چنانکه این رابطه در سطح دکتری قوی‌ترین و در سطح کارشناسی ضعیف‌ترین حالت را به خود اختصاص داده است.

واژه‌های کلیدی: آموزش، پژوهش، دانشگاه، اعضای هیئت علمی

۱. مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد (تاریخ دفاع ۱۴۰۰/۷/۲۰) فاطمه طالبیان شریف در رشته مدیریت آموزشی با عنوان «تحلیل تجارب زیسته اعضای هیئت علمی گروه علوم انسانی از پیوند آموزش و پژوهش در دانشگاه فردوسی مشهد» با راهنمایی رضوان حسین قلی زاده و مشاوره محمدرضا آهنچیان در گروه مدیریت آموزشی و توسعه منابع انسانی دانشگاه فردوسی مشهد است.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران، fateme_talebiansharif@yahoo.com

۳. نویسنده مسئول: دانشیار گروه مدیریت آموزشی و توسعه منابع انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران rhgholizadeh@um.ac.ir

۴. استاد گروه مدیریت آموزشی و توسعه منابع انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران ahanchi8@um.ac.ir

یکی از ابعاد مهمی که همواره باید در آموزش عالی و دانشگاه‌ها مورد توجه قرار گیرد، کارکردها و نقش‌هایی است که دانشگاه‌ها بر عهده دارند و یکی از زمینه‌های توسعه در آموزش عالی حرکت به سمت بهره‌مندی از نظام‌های دانشگاهی با ویژگی‌های نسل سوم است (میرزایی، سلطانی و مطهری‌نژاد، ۱۳۹۷). از جمله این کارکردهای مهم، آموزش و پژوهش است (قورچیان، جعفری، قانع و شایان، ۱۳۹۳). تعامل آموزش و پژوهش توجه پژوهشگران و سیاست‌گذاران را به‌ویژه در دهه‌های اخیر به خود جلب کرده است (تیلور^۱، ۲۰۰۸) و وابستگی متقابل بین این دو به‌عنوان ویژگی خاص هر دانشگاه در مقایسه با دانشگاه‌ها و سایر مؤسسات آموزش عالی مطرح می‌شود (قورچیان و همکاران، ۱۳۹۳). وحدت آموزش و پژوهش سنگ بنای توسعه دانشگاه نوین در اوایل قرن نوزدهم بوده است (بک و کیم^۲، ۲۰۱۵) و امروزه دانشگاه مدرن از طریق شدت و قوت رابطه میان پژوهش و آموزش آن مشخص می‌شود (احمد، حسنلی، اقبال و کورکوران^۳، ۲۰۱۷).

سه کارکرد اصلی مجموعه‌های دانشگاهی یا نظام آموزش عالی که یونسکو بر آن تأکید دارد، عبارت‌اند از تولید دانش، انتقال دانش و اشاعه و نشر دانش (خدمات تخصصی) (صمدزاده، ۱۳۷۹؛ اشرف^۴، ۲۰۱۰). لی^۵ (۲۰۰۴) ضمن تأکید بر رابطه ذاتی آموزش و پژوهش، این دو را به‌عنوان دو فعالیت عمده و اساسی در آموزش عالی مطرح می‌کند که غالباً به‌عنوان دو فعالیت جدا یا متضاد در نظر گرفته می‌شوند. شاید تاکنون تصور بر این بوده که رسالت و مأموریت اصلی دانشگاه صرفاً انتقال یک‌سری مفاهیم آکادمیک یعنی تولید پژوهش و انتقال آموزش است؛ اما در عصر جدید دانشگاه فقط مکانی برای یادگیری یک سری مفاهیم آکادمیک و انجام پروژه‌های صنعتی و تجاری نیست؛ بلکه فارغ‌التحصیلانی را تربیت می‌کند که به‌عنوان مولد اصلی سرمایه‌گذاری و توسعه جامعه تلقی می‌شوند (حسین‌زاده، فیروزی و سیاه پشت خاچکی، ۱۳۹۶)؛ بنابراین در این رابطه، پیوند آموزش و پژوهش در دانشگاه از دیدگاه‌های مختلف قابل‌بحث است (کلارک و هوردوسی^۶، ۲۰۱۹) و سه رویکرد در رابطه با آموزش و پژوهش وجود دارد: اولین رویکرد قائل به پیوند و رابطه‌ای مثبت بین آموزش و پژوهش است (لاپول و لونج^۷، ۲۰۱۸؛ تورک و لدیس^۸، ۲۰۱۶؛ والینا، آداویب و گلد^۹، ۲۰۱۶؛ باکلی^{۱۰}، ۲۰۱۱؛ نوچوانا^{۱۱}، ۲۰۱۲؛ جوشوه و آبدین^{۱۲}، ۲۰۱۲؛ آرتسا، پدراجا-چاپاروب و سالیناس-جیمز^{۱۳}، ۲۰۱۷؛ پانا، کاتن و موری^{۱۴}، ۲۰۱۴؛ بوید، اورنلی، رندل، روو و ویلسون^{۱۵}، ۲۰۱۲؛ احمد و همکاران، ۲۰۱۷؛ آخمته، زمان، شوکوئی، جاوید و مشتاق‌خان^{۱۶}، ۲۰۱۴؛ قورچیان و همکاران، ۱۳۹۳؛ چالیکو اوغلو، سگی و اوسلو^{۱۷}، ۲۰۲۰؛ برنانا، کوسک، دلاهورنتب، کوزنسوف، دانیلید^{۱۸}، ۲۰۱۹؛ حجازی و آراسته، ۱۳۹۱؛ رابرتسون و باند^{۱۹}، ۲۰۰۱؛ جنکینز^{۲۰}، ۲۰۰۰؛ ویسر وانوین، ون دریل، ون در ریجستا، ورولویا و ویسر^{۲۱}، ۲۰۱۰ و گریفیث^{۲۲}، ۲۰۰۴).

¹. Taylor

². Bak & Kim

³. Ahammed, Hassanli, Iqbal & Corcoran

⁴. Ashraf

⁵. Lee

⁶. Clark & Hordosy

⁷. Lapoule & Lynch

⁸. Turk & Ledic

⁹. Wallina, Adavib & Golda

¹⁰. Buckley

¹¹. Nuchwana

¹². Jusoh & Abidin

¹³. Artésa, Pedraja-Chaparro & Salinas-Jiménez

¹⁴. Pana, Cottonb and Murrayc

¹⁵. Boyd, O'Reilly, Rendell Dr, Rowe & Wilson

¹⁶. Akhmat, Zaman, Shukui, Javed & Mushtaq Khan

¹⁷. Calikoglu, Seggie & Uslu

¹⁸. Bernnana, Cusacib, Delahuntb, Kuznesofc & Donnellyd

¹⁹. Rabertson & Bond

²⁰. Jenkins

²¹. Visser-Wijnveen, Van Driela, Van der Rijsta, Verloop and Visser

²². Griffiths

طرفداران این رویکرد بر این باورند که آموزش و پژوهش فعالیت‌هایی هستند که نیاز به مجموعه کارهای مشترک دارند و یک آموزشگر خوب باید پژوهشگر خوبی هم باشد؛ بنابراین این انتظار وجود دارد که دارای رابطه مثبت باشند (هتی و مارش^۱، ۱۹۹۶). پژوهش‌های پالالی، ون الک، بوله‌ار و رود^۲ (۲۰۱۸) و همچنین نتایج تحقیقات تیلور (۲۰۰۸) حاکی از رابطه متقابل و تأثیرگذار آموزش و پژوهش و تأکید بر عوامل زمینه‌ای مانند رشته، نقش فرد و فرهنگ دانشگاهی در شکل دادن به این رابطه است. چنانکه پژوهش‌های رابرتسون^۳ (۲۰۰۷)، نیومن^۴ (۱۹۹۴)، پانا و همکاران (۲۰۱۴) و گلیمور، لوئیس، ماهر، فلدون و تیمرمان^۵ (۲۰۱۵) نیز شناخت دانشگاهیان از آموزش و پژوهش را تحت تأثیر ساختار دانش در رشته آن‌ها می‌دانند و کولبک^۶ (۱۹۹۸) معتقد است این یکپارچگی برای ادغام آموزش و پژوهش در رشته‌های نرم بیشتر است. گلیمور و همکاران (۲۰۱۵)، پالالی و همکاران، (۲۰۱۸) و جاهد و خسروی (۱۳۹۷) همچنین بر این باورند که این پیوند در دوره‌های تحصیلات تکمیلی مشهودتر است. نتایج مطالعات نیومن (۱۹۹۲ و ۱۹۹۴) نیز مؤید باور شدید به پیوند همزیستی بین آموزش و پژوهش و تجربه ایجاد این رابطه بین دانشگاهیان در سه سطح پیوند ملموس، نامشهود و جهانی است که سطح ملموس آن در علوم اجتماعی مشهودتر است. رویکرد دوم به رابطه منفی بین آموزش و پژوهش اشاره دارد (جلبرت^۷، ۲۰۱۹، ژانگ و شین^۸، ۲۰۱۵، بک و کیم، ۲۰۱۵، بریو^۹، ۲۰۱۰ و لایت فوت و پیوتوخ^{۱۰}، ۲۰۱۵)؛ از این جهت که آموزش و پژوهش دو فعالیت عکس هم در نظر گرفته شده‌اند و آموزشگر و پژوهشگر نیز دو فرد با ویژگی‌های شخصیتی متفاوت هستند که هر کدام فعالیت ویژه خود را انجام می‌دهند. همچنین هر یک از فعالیت‌های آموزش و پژوهش با پاداش و مسئولیت کاری خاصی روبه‌رو هستند. رویکرد سوم قائل به رابطه صفر و یا عدم رابطه بین آموزش و پژوهش است. پژوهش لیسیت، اندرز و بوئر^{۱۱} (۲۰۰۹) حاکی از آن است که آموزش و پژوهش جدا از هم هستند. طرفداران این رویکرد بر این باورند که پژوهش عملی متفاوت از آموزش است و نمی‌توان انتظار داشت کیفیت آن‌ها مرتبط و هم‌جهت باشد (هتی و مارش، ۱۹۹۶ و کلارک و هوردسوی، ۲۰۱۹).

با وجود این، پیوند یا عدم پیوند آموزش و پژوهش کمتر مورد توجه قرار گرفته است (مورارو^{۱۲}، ۲۰۱۲) و از دیدگاه تیلور (۲۰۰۸) به درستی درک نشده و یا بر اساس شواهد غیرمتقن یا متضاد هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ عملی استوار شده است. به‌ویژه اخیراً نظر به سیاست‌های در حال تغییر دولت‌ها این ویژگی دانشگاه مدرن برای دانشگاهیان به یک بحران تبدیل شده است (رابرتسون، ۲۰۰۷). همچنین تعداد نسبتاً کمی از دانشگاه‌ها سیاست‌های ویژه‌ای را جهت پایش این دو کارکرد و توسعه هم‌افزایی سودمند بین آموزش و پژوهش، اتخاذ کرده‌اند (قورچیان و همکاران، ۱۳۹۳). از این رو، با توجه به این که در سال‌های اخیر به مقوله پژوهش مبتنی بر آموزش و آموزش مبتنی بر پژوهش توجه بسیاری شده است، اما جایگاه آن در سیاست و عمل آموزش عالی هنوز مبهم به نظر می‌رسد (مالکولم^{۱۳}، ۲۰۱۴). به این دلیل که فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی اعضای هیئت علمی از هم جداست و از آن به عنوان شکاف آموزش و پژوهش یاد می‌شود که برای پیشبرد درک دلایل و کاهش آن مطالعه‌ای نظام‌مند نیاز است (اسمالی، راثو، نلی و اونس^{۱۴}، ۲۰۱۷)؛ بنابراین، نیاز به فراتر از مفروضات تعمیم‌یافته و لفاظی‌های نهادی وجود دارد تا درک عمیق‌تری از نحوه تفکر دانشگاهیان و ایجاد رابطه آموزش و پژوهش انجام شود (رابرتسون، ۲۰۰۷). با نظر به اهمیت دانش‌آفرینی، دانش‌گستری و ارج نهادن به آفرینش‌های فکری، دستیابی به جایگاه ممتاز آموزشی، توسعه متوازن واحدهای پژوهشی و دستیابی به جایگاه ممتاز پژوهشی در سطح ملی و فراملی و تأکید آن در سند راهبردی دانشگاه فردوسی مشهد مبنی بر بهبود نظام

¹ Hattie & Marsh

² Palali, van Elk, Bolhaar & Rud

³ Robertson

⁴ Neumann

⁵ Gilmore, Lewis, Maher, Feldon & Timmerman

⁶ Colbeck

⁷ Jalbert

⁸ Zhang & Shin

⁹ Brew

¹⁰ Lightfoot & Piotukh

¹¹ Leisyte, Ender & Boer

¹² Moraru

¹³ Malcolm

¹⁴ Smalley, Rau, Neely & Evans

جامع آموزشی و پژوهشی دانشگاه، هدف اصلی این پژوهش شناخت ماهیت و رابطه بین آموزش و پژوهش و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد است.

هدف پژوهش

توصیف و تحلیل تجارب زیسته اعضای هیئت علمی گروه علوم انسانی (الف) از پیوند آموزش و پژوهش در دانشگاه فردوسی مشهد و شناسایی عوامل مؤثر بر آن

سؤالات پژوهش

۱. اعضای هیئت علمی گروه علوم انسانی (الف) دانشگاه فردوسی مشهد چه ادراکی از ماهیت آموزش و پژوهش دارند؟
۲. اعضای هیئت علمی گروه علوم انسانی (الف) دانشگاه فردوسی مشهد چه تجربه زیسته‌ای از رابطه آموزش و پژوهش دارند؟
۳. عوامل مؤثر بر رابطه آموزش و پژوهش (پیش‌برنده‌ها و بازدارنده‌ها) از دیدگاه اعضای هیئت علمی گروه علوم انسانی (الف) دانشگاه فردوسی مشهد چیست؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

این ادعا که دانشگاه‌ها برای آموزش و پژوهش به وجود آمده‌اند، برای بسیاری غیرقابل انکار به نظر می‌رسد، گرچه اهمیت نسبی هر یک و روابط بین آن‌ها به شدت مورد مناقشه قرار گرفته است. عوامل متعددی در بیان رابطه آموزش و پژوهش وجود دارد و محققان به شکل‌های مختلف این رابطه را تعریف کرده‌اند (هاتی و مارش، ۱۹۹۶). نظریه هاتی و مارش مهم‌ترین دسته‌بندی پیرامون رابطه آموزش و پژوهش را داشته و به عنوان پایه‌ای برای پژوهش‌ها در حوزه آموزش و پژوهش مطرح شده است. هاتی و مارش در این نظریه رابطه را به سه دسته رابطه مثبت، منفی و خنثی مطرح کرده‌اند:

رابطه منفی بین آموزش و پژوهش

سه دلیل عمده برای منفی بودن رابطه وجود دارد. این‌ها را می‌توان الگوی کمبود، الگوی شخصیت متفاوت و الگوی پاداش متفاوت نامید.

۱. الگوی کمبود: سه بعد این الگو، کمبود زمان، انرژی و تعهد است؛ به این معنا که کسانی که در تحقیقات مولد هستند، تمایل به صرف زمان، انرژی و تعهد بیشتری در پژوهش و زمان، انرژی و تعهد کمتری در آموزش و به طور مشابه کسانی که مولد در آموزش هستند، تمایل به صرف زمان، انرژی و تعهد بیشتری در آموزش و زمان، انرژی و تعهد کمتری در پژوهش دارند. این امر منجر به رابطه منفی بین آموزش و پژوهش می‌شود. این همبستگی منفی زمانی رخ می‌دهد که زمان، انرژی و تعهد اختصاص داده شده به پژوهش و آموزش همبستگی منفی داشته باشد (جنکز و ریسمن^۲ ۱۹۶۸، به نقل از هتی و مارش، ۱۹۹۶، بارت^۳، ۱۹۹۲، ترايس^۴ ۱۹۹۲، هتی و مارش، ۱۹۹۶، رامسدن^۵، ۱۹۹۲، مانيس^۶، ۱۹۵۱، رامسدن و موسی^۷ ۱۹۹۲). ترايس (۱۹۹۲) استدلال کرد که توجه به بهره‌وری بالای پژوهش و آموزش به طور هم‌زمان یک کار فشرده بوده و برتری در هر دو حوزه تقریباً غیرممکن است.

¹. The Scarcity Model

². Jencks & Riesman

³. Barnett

⁴. Trice

⁵. Ramsden

⁶. Manis

⁷. Ramsden & Moses

۲. الگوی شخصیت متفاوت^۱: الگوی شخصیت متفاوت پیشنهاد می‌کند که بین آموزش و پژوهش رابطه منفی وجود دارد، زیرا این دو فعالیت مستلزم داشتن جهت‌گیری‌های شخصی متضاد هستند (هتی و مارش، ۱۹۹۶). آموزش و پژوهش دو فعالیت عکس هم در نظر گرفته می‌شوند و آموزشگر و پژوهشگر دو فرد با ویژگی‌های شخصیتی متفاوتی هستند.

۳. الگوی سیستم پاداش متفاوت^۲: پژوهش و آموزش نقش‌های متناقضی با انتظارات و تعهدات مختلف دارند که ناشی از سیستم‌های مختلف پاداش است. این دو نقش در تنش دائمی قرار دارند (لیسیت و همکاران، ۲۰۰۹؛ لایت^۳، ۱۹۷۴). هر یک از فعالیت‌های آموزش و پژوهش با پاداش و مسئولیت خاصی روبه‌رو هستند. به این دلیل ارتباط بین این دو متضاد در نظر گرفته می‌شوند. انگیزه برای انجام فعالیت‌های مختلف با دریافت پاداش‌های خارجی در هر عمل مختلف است (هاتی و مارش، ۱۹۹۶).

ب: رابطه مثبت بین آموزش و پژوهش

دو دلیل عمده وجود دارد که چرا پژوهش و آموزش با هم ارتباط مثبت دارند. این‌ها را می‌توان الگوی دانش مرسوم (خرد متعارف) و الگوی «G» (هتی و مارش، ۱۹۹۶).

۱. الگوی دانش مرسوم^۴ (عقل متعارف): اولین استدلال در مورد چرایی همبستگی مثبت آموزش و پژوهش این است که «بدیهی» است (جنسن^۵، ۱۹۸۸ و وایت^۶، ۱۹۸۶). بررسی‌ها نشان می‌دهد که اعتقاد رایج در بین دانشگاهیان این است که آموزش و پژوهش به‌طور مثبتی با هم ارتباط دارند. هالزی^۷ (۱۹۹۲) دریافت که ۹۰ درصد از دانشگاهیان ادعا می‌کنند که علاقه فرد به پژوهش فعال برای داشتن یک معلم خوب دانشگاه ضروری است. آموزش و پژوهش به‌طور مثبت باهم در ارتباط هستند؛ اگر شخصی بخواهد استاد دانشگاهی خوبی باشد، باید به انجام پژوهش علاقه‌مند باشد (رخشانی، ۱۳۹۲).

۲. الگوی «G»^۸: رابطه مثبت مورد انتظار اغلب بر این فرض استوار است که توانایی‌های زمینه‌ای آموزش موفق و توانایی‌های زمینه‌ای تحقیقات موفق مشابه هستند. ارزش‌های مرتبط با آموزش خوب و تحقیقات خوب ادعا می‌شود که تعهد بالا (پشتکار، فداکاری، سخت‌کوشی)، خلاقیت (تخیل، اصالت، ابداع)، تحقیق و تحلیل انتقادی است (هتی و مارش، ۱۹۹۶ و وودبرن^۹، ۱۹۵۲ به نقل از هتی و مارش، ۱۹۹۶)؛ بنابراین، این انتظار وجود دارد که این رابطه مثبت باشد.

ج: عدم وجود رابطه بین آموزش و پژوهش

این بحث به احتمالاتی اشاره دارد که ممکن است رابطه متقابل نباشد و در حقیقت ممکن است به صفر برسد. حداقل سه استدلال وجود دارد که چرا پیش‌بینی می‌شود رابطه صفر باشد. این‌ها را می‌توان الگوی فعالیت و حرفه متفاوت، الگوی شخصیت غیر مرتبط و الگوی سرمایه‌گذاری و بودجه‌اداری نامید (هاتی و مارش، ۱۹۹۶).

¹. The Differential Personality Model

². The Divergent Reward System Model

³. Light

⁴. The Conventional Wisdom Model

⁵. Jensen

⁶. White

⁷. Halsey

⁸. The "G" Model

⁹. Woodburne

۱. الگوی فعالیت و حرفه متفاوت^۱: بارنت (۱۹۹۲) ادعا کرد که پژوهش (دانش در زمینه کشف) یک کار کاملاً متفاوت از آموزش (دانش در زمینه انتقال) است. در نتیجه، آموزش و پژوهش به عنوان حرفه های مختلف در نظر گرفته می شوند و انتظار نمی رود که کیفیت های مرتبط با آن ها در هر جهتی لازم باشد (بارنت^۲، ۱۹۹۱؛ هونینگمن^۳، ۱۹۹۲؛ روگارسیا^۴، ۱۹۹۱؛ سلدین^۵، ۱۹۸۵).

۲. الگوی شخصیت غیر مرتبط^۶: مدل شخصیت غیرمرتبط بر این تصور استوار است که محققان و معلمان انواع مختلفی از افراد هستند و ویژگی های شخصیتی مشترک کمی ممکن است داشته باشند (هتی و مارش، ۱۹۹۶).

۳. الگوی سرمایه گذاری و بودجه اداری^۷: استدلال های بسیاری وجود دارد که آموزش و پژوهش باید هیچ ارتباطی نداشته باشند. اگر رابطه بین آموزش و پژوهش صفر باشد، مزایای بسیاری برای بخش اختصاص بودجه وجود دارد؛ یعنی معلمان تنها مدرس بوده و به پژوهش کاری نداشته باشند و پژوهشگران نیز تدریس نکنند و فقط به پژوهش بپردازند. استدلالی که اغلب به طور مساوی ظاهر می شود، این است که جدایی آموزش و پژوهش، برنامه های درسی را از اسارت به علایق پژوهشی که به وضوح در عناوین دوره های تخصصی مشهود است، آزاد می کند (سمپل^۸، ۱۹۷۲؛ وایزner^۹، ۱۹۹۲).

بررسی ادبیات پژوهش در زمینه آموزش و پژوهش نشان می دهد پژوهش های مختلفی در این حوزه صورت گرفته است؛ هرچند کمبود پژوهش در خصوص رابطه آموزش و پژوهش در ایران وجود دارد. در ادامه برخی از مهم ترین پژوهش ها در این رابطه ارائه شده اند.

مرور پژوهش های انجام شده بر اهمیت و ضرورت رابطه آموزش و پژوهش در نظام آموزش عالی تأکید دارد و نتایج پژوهش های ماچریدیس و پائولسون و پیل^{۱۰} (۲۰۲۰)، لای، دو و لی^{۱۱} (۲۰۱۴)، اولیواریس دونوسو و گونزالس^{۱۲} (۲۰۱۸)، کولیک (۱۹۹۸)، مک کینلی، مک اینتوش، میلیگان و میکوزاوسکا^{۱۳} (۲۰۲۰)، لایت فوت و پیوتوخ (۲۰۱۵)، رابرتسون و باند (۲۰۰۱)، پانا و همکاران (۲۰۱۴)، نیومن (۱۹۹۲)، حجازی و آراسته (۱۳۹۱)، کلارک و هردوسی (۲۰۱۹)، جوشوه و آیدین، (۲۰۱۲)، نیومن (۱۹۹۴)، آرتسا و همکاران (۲۰۱۷)، گلیمور و همکاران (۲۰۱۵)، چالیکو اوغلو و همکاران (۲۰۲۰)، برنانا و همکاران (۲۰۱۹)، تیلور (۲۰۰۸)، احمد و همکاران (۲۰۱۷)، جنکینز (۲۰۰۰)، بوید و همکاران (۲۰۱۲)، بریو (۲۰۱۰)، بک و کیم (۲۰۱۵)، ژانگ و شین (۲۰۱۵) و جلیبرت (۲۰۱۹) نشان دهنده ادغام و پیوند آموزش و پژوهش به عنوان دو کارکرد مهم نظام آموزش عالی است. برخی از این پژوهش ها نشان دهنده رابطه مثبت بین آموزش و پژوهش بودند (حجازی و آراسته، ۱۳۹۱؛ کلارک و هردوسی، ۲۰۱۹؛ جوشوه و آیدین، ۲۰۱۲؛ نیومن، ۱۹۹۴؛ چالیکو اوغلو و همکاران، ۲۰۲۰؛ آرتسا و همکاران، ۲۰۱۷؛ گلیمور و همکاران، ۲۰۱۵؛ برنانا و همکاران، ۲۰۱۹؛ احمد و همکاران، ۲۰۱۷) به این معنا که استنادی که بیشتر درگیر انجام پژوهش هستند، نتایج بهتری را در آموزش شاهد هستند و برعکس؛ در نتیجه کیفیت آموزش با کیفیت پژوهش رابطه مثبت دارد. در این میان نتایج برخی پژوهش ها، حاکی از آن است که تمرکز صرف بر آموزش سبب کاهش کیفیت پژوهش و تمرکز بر پژوهش، کاهش کیفیت آموزش را در بردارد؛ نتایج پژوهش های بریو (۲۰۱۰)، بک و کیم (۲۰۱۵)، ژانگ و شین (۲۰۱۵)، جلیبرت (۲۰۱۹)، لایت فوت و پیوتوخ (۲۰۱۵) نشان دادند اگرچه میزان این رابطه نسبتاً اندک است اما این پیوند وجود دارد. نتایج پژوهش لیسیت و همکاران (۲۰۰۹) نیز نشان داد آموزش و پژوهش دو فعالیت کاملاً جداگانه و با ویژگی های مختلف می باشند. همچنین از مرور پژوهش های انجام شده در این حوزه می توان

¹. The Different Enterprises Model

². Barnett

³. Honigman

⁴. Rugarcia

⁵. Seldin

⁶. The Unrelated Personality Model

⁷. The Bureaucratic Funding Model

⁸. Sample

⁹. Weisner

¹⁰. Macheridis, Paulsson & Pihl

¹¹. Lai, Du & Li

¹². Olivares -Donoso & Gonzalez

¹³. McKinley, McIntosh, Milligan & Mikołajewska

استنباط کرد معرفت‌شناسی دانشگاهیان به‌شدت تحت تأثیر ساختار دانش در هر رشته و مقطع تحصیلی و سیاست‌های مختلف قرار می‌گیرد که این معرفت‌شناسی‌ها نقشی بسیار حیاتی در شکل‌گیری رابطه آموزش و پژوهش دارد.

روش پژوهش

در این پژوهش به‌منظور دستیابی به اهداف پژوهش از روش پژوهش پدیدارشناسی (توصیف و تحلیل تجارب زیسته افراد متعدد از یک مفهوم یا پدیده) استفاده شد. در این شیوه پدیدارشناس، ضمن توصیف تجارب به تحلیلی از اشتراکات مشارکت‌کنندگان (اعضای هیئت‌علمی) از تجربه یک پدیده (پیوند بین آموزش و پژوهش) می‌پردازد (به نقل از کرسول^۱، ۱۳۹۶). دلیل انتخاب این روش دستیابی به تجارب اعضای هیئت‌علمی دانشگاه فردوسی مشهد و چگونگی پیوند بین آموزش و پژوهش است و در این راستا، پدیدارشناسی فرایندی است که از طریق آن می‌توان به شناخت و فهم تجارب مشترک افراد نائل آمد. در این پژوهش، اعضای هیئت‌علمی گروه علوم انسانی (الف) دانشگاه فردوسی مشهد جامعه و مشارکت‌کنندگان پژوهش را تشکیل دادند. حجم نمونه در مطالعات کیفی معمولاً کوچک است و درواقع حجم نمونه ممکن است یک مورد باشد (گال، بورک و گال^۲، ۱۳۹۴). با توجه به این امر در این پژوهش از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد که به‌صورت دقیق انجام گرفته و حجم نمونه نیز بر اساس اشباع نظری تعیین شد. بدین ترتیب، تلاش شده نمونه مورد مطالعه بر اساس (۱) رشته‌های تحصیلی گروه علوم انسانی (الف؛ ۲) مرتبه علمی استادیاری، دانشجویی و استادی؛ (۳) سرآمدی در آموزش و پژوهش (۴) تجربه آموزش در مقاطع کارشناسی و تحصیلات تکمیلی انتخاب شود.

در این مرحله از پژوهش، بر اساس اعلام و تأیید معاونت آموزشی و پژوهشی دانشگاه فردوسی مشهد، ۴۱ نفر از اعضای هیئت‌علمی به‌عنوان سرآمدان آموزش دانشگاه طی سال‌های اخیر معرفی شدند و ۴۲ نفر نیز به‌عنوان سرآمدان پژوهش در دانشگاه بر اساس سه لیست (۱) پنج سال آخر هفته پژوهش/ دانشگاه/ استانی/ کشوری ۲. خروجی از لیست ۲۵۰ نفر اول WOS و ۳. سامانه علم‌سنجی دانشگاه به آدرس (Scimet.um.ac.ir) معرفی شدند که بخش زیادی از این شرکت‌کنندگان به‌صورت مشترک هم در حوزه آموزش و هم در پژوهش، جزو سرآمدان در دانشگاه بودند. درمجموع با حذف اسامی مشترک، مطلعان کلیدی این پژوهش برابر با ۴۸ نفر بود (۳۵ نفر سرآمدان آموزشی و پژوهشی، ۶ نفر فقط سرآمد آموزش و ۷ نفر فقط سرآمد پژوهش). پس از اطلاع‌رسانی‌های مکرر به اعضای هیئت‌علمی واجد شرایط از طریق ایمیل، مراجعه حضوری یا غیرحضوری، تعدادی از اعضا حاضر به همکاری شدند و تعداد دیگری به دلیل عدم تمایل به همکاری از دایره مصاحبه‌شوندگان این پژوهش خارج شدند؛ بنابراین، با معیار قرار دادن اشباع نظری، ۱۵ نفر از اعضای هیئت‌علمی مورد مصاحبه قرار گرفتند. علاوه بر این تعداد، به‌منظور اعتباریابی نتایج با ۵ نفر دیگر از اعضای هیئت‌علمی مصاحبه انجام شد؛ بنابراین درمجموع با ۲۰ نفر از اعضای هیئت‌علمی مصاحبه انجام شد.

در این پژوهش جهت تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری استراوس و کوربین^۳ (۲۰۰۷) استفاده شد. براین اساس، داده‌های گردآوری شده به مفاهیم کدگذاری شده تبدیل و در دو مرحله کدگذاری باز و کدگذاری محوری به هم متصل می‌شوند. به‌منظور انجام تجزیه و تحلیل، هر یک از مصاحبه‌ها، چندین بار توسط پژوهشگر شنیده و پس از آن تایپ شده است. با این روش، تمام جزییات مصاحبه‌ها به نوشتار تبدیل شده‌اند. در این شیوه و در این پژوهش پژوهشگر با بررسی داده‌ها و طبقه‌بندی آن‌ها در قالب داده‌های متنی و مشاهده‌ای و با ارجاع به سؤالات تحقیق تحلیل را آغاز و سپس مراحل کدگذاری را به تفکیک سؤالات تحقیق شروع کرده است. در مرحله اول پژوهشگر به بررسی متون (ادراک و تجربه اعضای هیئت‌علمی از ماهیت و رابطه آموزش و پژوهش) برای دریافت مفاهیم در اطلاعات پرداخته تا مفاهیم را اشباع کند. وقتی مجموعه‌ای از کدهای اولیه استخراج شد، مفاهیم مشترک بر اساس تشابهات و تفاوت‌ها در قالب مقولات عمده دسته‌بندی شدند. سپس مقولات یا (همان ادراکات و تجارب اعضای هیئت‌علمی) دسته‌بندی و به یکدیگر مرتبط شد و به نگارش درآمدند. مقولات عمده را

^۱. Creswell

^۲. Gal, Burke and Gal

^۳. Strauss & Corbin

باید به صورت منطقی و تحلیلی به دنبال هم و فهرست وار توضیح داد و ارتباطی یک سویه و سپس دوسویه بین آن ها برقرار کرد. این فرایند به تنظیم تحلیلی و منطقی داده ها کمک می کند (کرسول، ۱۳۹۶). همچنین در این پژوهش برای اعتباریابی نتایج داده های کیفی، ملاک اعتباریابی لینکلن و گوبا^۱ (۱۹۸۵) برای برقرار ساختن «قابلیت اعتماد» مبتنی بر چهار اصل (اعتبارپذیری، انتقال پذیری، قابلیت اطمینان و تأیید پذیری) مورد توجه و استفاده قرار گرفته است.

یافته ها

به منظور تحلیل داده های حاصل از مصاحبه، از روش کدگذاری در دو مرحله باز و محوری (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۰) استفاده شد. داده های جمع آوری شده مورد بررسی و کاوش قرار گرفته، نکات کلیدی و مفاهیم آن استخراج شد و در مرحله بعد مفاهیم بر حسب مضامین مشترک دسته بندی شدند و مقوله های اصلی را تشکیل دادند. در مجموع پس از تحلیل داده ها، ۷۲۵ نکته کلیدی، ۶۴۸ مفهوم و ۳۵ مقوله اساسی استخراج شدند که سؤال اول ۳۰۲ نکته کلیدی، ۲۷۵ مفهوم و ۱۴ مقوله اصلی، سؤال دوم ۲۰۱ نکته کلیدی، ۱۸۶ مفهوم و ۷ مقوله اصلی و سؤال سوم ۲۲۲ نکته کلیدی، ۱۸۷ مفهوم و ۱۴ مقوله اصلی را شامل می شوند. یافته های پژوهش به تفکیک سؤالات پژوهش ارائه شده است.

ادراک اعضای هیئت علمی از ماهیت آموزش و پژوهش در دانشگاه

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه ها، از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد، آموزش از یک سو ضمن اینکه مبتنی بر انتقال اطلاعات است، ماهیتی تجربه محور دارد که بر اساس آن استادان می کوشند با تأمل بر تجارب پیشین خود کیفیت تدریس را بهبود بخشند و برای تنوع بخشی به آن از تجارب حرفه ای خود در انتقال اطلاعات به دانشجویان بهره بگیرند؛ بنابراین به زعم این استادان، این امر می تواند در تحریک یادگیری دانشجویان مؤثر باشد؛ هرچند، همان طور که ماهیت آموزش در دانشگاه (به جهت ارتباط آن با پژوهش) با ماهیت آن در مدارس متفاوت است، این مهم، در مقاطع، رشته ها و دروس مختلف نیز، متفاوت است. چراکه آموزش دارای موضوعات گسترده ای است که با رویکرد تحلیلی و انتقادی، مبتنی بر واقعیات و با هدف انتقال اطلاعات به ترویج دانش و تجارب مرتبط با دانشجویان هر مقطع پرداخته و در این مسیر ضمن تحریک یادگیری دانشجویان به پرورش استعدادها و ارائه تصویر یکپارچه ای از توسعه شخصی آنان می پردازد و در نهایت سبب ارتباط دانشجو با جامعه و حل مسائل آن می شود. چنانکه، از دیدگاه استادان، ذات آموزش در دوره کارشناسی آموزشی بوده و توجه به توان اشتغال پذیری و آموزش محوری در مقطع کارشناسی برجسته تر می باشد؛ بنابراین، به نظر می رسد کوشش استادان برای جهت دهی صحیح به فعالیت های آموزشی با استفاده از روش های متنوع تدریس و تأکید بر مشارکت فعال و بحث گروهی دانشجویان با هدف ایجاد چالش ذهنی و ترغیب آنان به تفکر و تعمق در فرایند تدریس و در نهایت ایجاد محیطی شاد و بانشاط در کلاس، در راستای سیاست آموزش محوری اخیر دانشگاه فردوسی مشهد مؤید تمرکز بر بهبود آموزش با تأکید بر دوره کارشناسی می باشد. به طور نمونه، برخی مصاحبه شوندگان چنین اظهار داشتند که:

«بیشتر تلاشم اینه که از شیوه های متنوعی استفاده کنم و تلاش می کنم که یادگیرنده دائماً درگیر باشه (Edu-16).

یک درس با یک عنوان مشخص توی مقاطع تحصیلی متفاوت توی یک رشته، متفاوت باید تدریس بهش (Eco-15) خوشبختانه

تجربه های قبلی که داشتم به کمکم میاد که بتونم از این جهت کلاس رو از این حالت یکنواختش خارج کنم و دانشجو رو هم

وارد بحث آموزش کنم (Geo-10) آموزش رو ما از نظر من یعنی انتقال مفاهیم و اطلاعاتی است که در یک زمینه خاص، این

مفاهیم و اطلاعات وجود داره (Spo-9)».

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه ها در خصوص ماهیت پژوهش، پژوهش ماهیتی از نوع حقیقت جویی و مسئله محوری دارد؛ فرایند کشف حقایق ناشناخته و تغییر و توسعه مرزهای دانش با هدف حل مسائل واقعی و دستیابی به نوآوری؛ بنابراین، کوشش اصلی

¹.Lincoln & Guba

استادان معطوف به تعریف یک حوزه تخصصی و تمرکز بر آن به منظور برندسازی شخصی می‌باشد؛ از دیدگاه استادان، تمرکز روی یک حوزه علاوه بر گسترش دانش، سبب هدایت دانشجو به سمت یک مسیر تخصصی، توجه کمتر به سایر حوزه‌ها، عدم تدریس درس‌های تکراری و انجام پژوهش‌های اصیل در سطح دنیا می‌شود. در این میان، آن‌ها از توجه به پژوهش‌های کاربردی و حرفه‌ای در کنار مطالعات بنیادی غفلت نکردند و همواره بر ضعف توجه دانشگاه به این مهم در ارزیابی عملکرد استادان تأکید می‌کردند. گرایش یا عدم گرایش استادان به این مهم به نظر می‌رسد بیشتر متأثر از تمایل آن‌ها به آموزش در دوره کارشناسی یا هدایت دانشجویان برای پژوهش در دوره تحصیلات تکمیلی باشد؛ به طوری که ماهیت پژوهش محوری دوره‌های تحصیلات تکمیلی امکان جهت‌دهی و تمرکز بیشتر بر پژوهش را برای استادان فراهم می‌کند. توان پژوهشی و مهارت‌های حل مسئله در دانشجویان کارشناسی ارشد و تلاش آنان در جهت کشف قلمرو و خودیابی، این گفته را به درستی تأیید می‌کند. این مهم در دوره دکتری اهمیتی مضاعف پیدا می‌کند و استادان دانشگاه با بهره‌گیری از روش‌های متنوع پژوهشی سعی در انجام پروژه‌های پژوهشی به منظور پرورش قابلیت‌های پژوهشی دانشجویان و به ویژه دانشجویان تحصیلات تکمیلی داشته‌اند. همچنین ضمن تمایل بسیاری از استادان به تدریس در این دوره، برخی استادان آگاهانه از تدریس و هدایت پژوهش در این دوره چشم‌پوشی نموده و بر شکل‌گیری بنیادهای آموزش در دوره کارشناسی و تمرکز بر آن پافشاری می‌کردند. چه‌بسا دلیل اصلی آن را از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان می‌توان به ابزارگرایی پژوهش و محدود شدن آن به چاپ و انتشار مقاله نسبت داد. به طور نمونه، برخی مصاحبه‌شوندگان چنین اظهار داشتند که:

«در پژوهش هم سعی می‌کنم پژوهش‌هایی باشن که به روز باشن، پیشرفته باشن و برد بین‌المللی داشته باشن (Acc-12). ویژگی پژوهش خلاقانه بودن، گسترش دانش در حوزه تخصصی، مسئله محور بودن، برانگیختگی و مولد بودن آن است (Lib-17). می‌گن این تحقیقی که شما کردی منجر به چند تا مقاله شد؟ کجا چاپ شد؟ صرفاً مقاله و مقاله محوری شده (Man-6).

جدول ۱- ماهیت آموزش و پژوهش در دانشگاه فردوسی مشهد

مفاهیم و مقوله‌های مرتبط با ماهیت آموزش	مفاهیم و مقوله‌های مرتبط با ماهیت پژوهش
تجربه محوری آموزش استفاده از تجارب خود برای ترغیب دانشجویان؛ استفاده ۷۰ درصدی از تجارب شخصی برای تعیین سرفصل‌ها؛ تجارب استاد در چگونگی تدریس و تعیین سرفصل؛ تدریس متفاوت یک درس در نتیجه تفاوت تجارب استادان؛ کوشش برای انتقال تجارب علمی خود به دانشجویان؛ کمک به آموزش از طریق کاربرد تجارب استاد؛ استفاده از تجارب شخصی جهت جلوگیری از یک‌نواختی تدریس؛ عنوان کردن تجربه زیسته خود در کلاس؛ تجارب استادان حاصل بازخوردهای گرفته شده از کلاس؛ تلاش برای آموزش مبتنی بر تجربه، محورهای درس، نیاز بازار و توان دانشجو؛ انجام آموزش با استفاده از دانسته‌های گذشته در دانشگاه. آموزش به مثابه فرایند انتقال اطلاعات و محرک یادگیری سروکار داشتن آموزش با موضوعات گسترده؛ آموزش به عنوان انتقال اطلاعات در یک زمینه خاص؛ شناخت مفاهیم و به روزرسانی در فرایند آموزش؛ قابلیت آموزش برای ارتباط دانشجو با جامعه و حل مسائل آن؛ آموزش به عنوان انتقال مفاهیم به دانشجو برای یادگیری؛ انتقال دانش در فرایند آموزش؛ تدریس، محور اصلی فرایند آموزش؛ تلقی تدریس به عنوان محرک یادگیری؛ آموزش در معنای کلی به مثابه پرورش و شکوفایی استعداد؛ ضرورت توسعه همه جنبه‌های یادگیری در فرایند آموزش؛	ماهیت حقیقت جویی و مسئله محوری پژوهش پژوهش برای رفع نیاز جامعه و پاسخ به ابهامات؛ پژوهش برای گسترش دانش؛ پژوهش تحت عنوان حل مشکلات آموزشی یا جامعه؛ تلاش برای انجام تحقیق برای حل مشکلات جامعه و دانشگاه؛ جابه‌جایی و گسترش مرزهای دانش در فرایند پژوهش؛ کشف حقیقت در فرایند انجام پژوهش؛ پژوهش به عنوان فرایند نظام‌دار برای رسیدن به واقعیت تبیین نشده؛ پژوهش فرایندی برای کشف حقایق ناشناخته؛ زمان‌بر بودن پژوهش؛ باور به ماهیت خلاقانه، تخصصی و مسئله محور بودن پژوهش؛ انجام پژوهش مبتنی بر علایق و مسائل موجود در جامعه؛ انجام بنیادهای نظری در قالب پژوهش؛ انجام پژوهش با هدف کاربرد و حل مسئله؛ اختراع و ارتباط با صنعت دنباله انجام پژوهش؛ ارتباط با صنعت و مقاله‌نویسی در اکوسیستم پژوهشکده؛ ضرورت وجود نوآوری در پژوهش؛ انجام پژوهش به منزله کسب شایستگی. تخصص گرایی استادان و تمرکز بر علایق پژوهشی تمرکز فعالیت‌های علمی استادان در یک حوزه مشخص؛ علاقه‌مند به انجام پژوهش بعد از بازنشستگی؛ معرفی خود به جهان از طریق برندسازی شخصی؛ تلاش برای شناخته شدن در حوزه تحقیقاتی خود؛ منحصربه‌فرد بودن دروس مبتنی بر تخصص استاد؛ اخذ پایان‌نامه و رساله صرفاً بر اساس علایق پژوهشی؛ تمرکز دانشگاه بر شخصی‌سازی پژوهش استادان؛

«یادگیری معطوف به یادگیرنده» و خاصیت تحریک‌کنندگی تدریس برای یادگیری؛ آموزش فرایندی با هدف یادگیری اثربخش؛ ماهیت تحلیلی و انتقادی بودن آموزش در فرایند انتقال اطلاعات؛ انجام آموزش مبتنی بر واقعیات، آموزش به مفهوم ترویج.

ماهیت متمایز آموزش بر حسب مقطع تحصیل

تفاوت نوع آموزش در سه مقطع؛ تفاوت ماهیت هر درس و شرایط دروس در یک مقطع؛ تفاوت بودن نوع آموزش‌ها؛ تأکید بر تدریس متفاوت یک درس مشخص در مقاطع مختلف؛ تفاوت نوع و روش آموزش در رشته‌ها، درس‌ها و مقاطع مختلف؛ تفاوت بودن سطوح آموزش و پژوهش در هر رشته؛ تأکید بر تفاوت شکل آموزش دانشگاه با دبیرستان؛ وجود تفاوت بین آموزش همه مقاطع؛ آموزش دگرپژوه در مدرسه و تفاوت آن با دانشگاه؛ بنیادی یا کاربردی بودن ماهیت دروس.

محوریت توان اشتغال‌پذیری و آموزش‌محوری در کارشناسی

تأکید بر مهارت‌های استادان برای آموزش مبتنی بر مهارت؛ مهارت‌گرا بودن دوره کارشناسی؛ افزایش توان اشتغال‌پذیری دانشجوی کارشناسی؛ نگاه عمل‌گرایانه به بازار کار در کارشناسی؛ اهمیت آگاهی از مسائل بازار کار؛ باور به انجام آموزش مهارت‌محور در دوره کارشناسی؛ لزوم انجام آموزش مبتنی بر بازار کار؛ افزایش توان اشتغال‌پذیری در دوره کارشناسی؛ تلاش برای تقویت مهارت‌های فراشناختی دانشجویان کارشناسی؛ تکلیف محور بودن دوره کارشناسی؛ کاربرد عملی دروس قابل تدریس در محیط کار؛ پررنگ نبودن پژوهش در دوره کارشناسی؛ فقدان مهارت‌های عملی در دانشجویان کارشناسی؛ باور به ذات آموزشی مقطع کارشناسی؛ تأکید بر نقش آموزش به‌روز در مقطع کارشناسی؛ نقش پررنگ آموزش در دوره کارشناسی؛ فقدان خودباوری و پذیرش رویکرد پژوهش‌محوری در دوره کارشناسی.

الگوسازی آموزش

توجه دانشگاه به آموزش طی سالیان اخیر؛ تأکید بر آموزش به‌عنوان یک دغدغه مهم؛ تأکید بر اهمیت آموزش؛ تقویت رویکرد دانشگاه به مسائل آموزشی؛ افزایش فعالیت‌های آموزشی نسبت به پژوهشی در دانشگاه؛ الزام قانونی استادان باسابقه به تدریس در دوره کارشناسی؛ معرفی الگوی مفهومی آموزش؛ تلاش برای اجرا کردن الگوی مفهومی آموزش؛ درجه‌بندی آموزش در دانشگاه؛ کیفیت آموزش استاد وابسته به سطح دانشجویان؛ حجم آموزش مؤثر بر کیفیت آموزش؛ انجام پژوهش خوب درباره کیفیت آموزش؛ کیفیت بهتر تدریس با کاهش حجم کلاس‌ها؛ حساسیت (روانی) نسبت به کیفیت تدریس؛ تلاش برای کیفیت‌گرا بودن آموزش؛ بازنگری سرفصل‌ها، عامل انجام آموزش به‌روزر در دانشگاه.

راهبردهای آموزش برای جهت‌دهی صحیح دانشجویان

پاسخگویی به سؤالات دانشجویان کارشناسی از طریق فضای مجازی؛ تلاش

به‌روزرسانی دانش تخصصی؛ تدریس دروس مرتبط با تخصص در دوره تحصیلات تکمیلی؛ علاقه‌مند به انجام پژوهش و عدم تدریس درس‌های تکراری؛ پذیرش به‌عنوان استاد راهنما و مشاور در حوزه تخصصی؛ قبول نکردن پژوهش‌های غیرمرتبط با حوزه تخصصی؛ هدایت دانشجوی به سمت یک مسیر تخصصی در ارشد؛ به‌روز نبودن استادان در نتیجه عدم تعیین حوزه تخصصی؛ توجه دانشگاه به داشتن حوزه پژوهشی استادان؛ انتخاب آموزش‌ها مبتنی بر حوزه تخصصی پژوهش هیئت علمی؛ تخصص کاری در یک حوزه معین؛ نیاز به حضور عضو هیئت علمی متخصص در ارشد و دکتری؛ ضرورت تخصصی شدن دروس در ارشد و دکتری؛ تمرکز روی یک بخش به‌عنوان حوزه پژوهشی؛ ترغیب دانشجویان برای فعالیت در حوزه پژوهشی خود؛ تمایل و تلاش برای تمرکز بر علایق پژوهشی؛ تعیین حوزه‌های مشخص پژوهشی و تلاش در این حوزه‌ها؛ لزوم آموزش دانشجویان برای طرح پیشرفت‌های پژوهشی استاد؛ داشتن رویکرد پژوهشی؛ تلاش برای اعلام نتایج مطالعات بر اساس حوزه‌های پژوهش؛ توجه کمتر به سایر حوزه‌ها در صورت تدریس در حوزه تخصصی.

تأکید بر پژوهش‌های کاربردی

تلاش برای انجام پژوهش‌های کاربردی؛ انجام پژوهش‌های حرفه‌ای و غیرعلمی پژوهشی؛ تلاش برای انتخاب موضوعات پژوهشی مرتبط با چالش‌های کشور با برد بین‌المللی؛ کاربردی نبودن پژوهش‌های صرفاً علم برای علم.

پژوهش‌محوری و مهارت حل مسئله در کارشناسی ارشد

افزایش توان پژوهشی دانشجوی کارشناسی ارشد؛ تأکید بر مهارت جست‌وجوگری دانشجویان ارشد؛ آموزش انتخاب رویکردها برای حل مسئله در تحصیلات تکمیلی؛ همکاری با دانشجویان ارشد در مقاله‌نویسی؛ رویکرد جدی نسبت به مقاله‌نویسی در ارشد؛ مراقبت از دانشجوی برای حرکت در مسیر انتخابی صحیح؛ کسب مهارت‌های عملی در دوره ارشد؛ تلاش برای آموزش توان پژوهش به شکل عملی در دوره ارشد؛ تأکید بر جستن دانش در دانشجویان مقاطع بالاتر؛ تأکید بر فراگیری شیوه سرچ کردن در دانشجویان تحصیلات تکمیلی؛ تأکید بر استفاده از منابع جدید در دانشجویان تحصیلات تکمیلی؛ تأکید بر کشف قلمرو موردعلاقه در دانشجویان تحصیلات تکمیلی؛ تأکید بر خودیابی و انتخاب مسئله تحقیق در تحصیلات تکمیلی؛ تأکید بر آموزش مهارت عملی کار پژوهشی در تحصیلات تکمیلی؛ افزایش کار پژوهشی دانشجویان در تحصیلات تکمیلی؛ ارتقاء مهارت‌های پژوهشی همراه با اشتغال در کارشناسی ارشد؛ موضوع‌محور بودن دوره کارشناسی ارشد؛ تأکید بر استفاده از مفاهیم برای حل مسئله در مقطع ارشد؛ باور به ذات پژوهشی مقاطع ارشد و دکتری؛ محوریت پژوهش در تحصیلات تکمیلی؛ طرح موضوعات علمی پیشرفته در ارشد و دکتری؛ انجام بیشتر پروژه‌های پژوهشی در ارشد و دکتری؛ تمایل به استفاده از توان دانشجویان در زمینه

کارهای مطالعاتی. مرجعیت علمی و پژوهش محوری در دکتری رسیدن به اجتهاد در دوره دکتری؛ ایجاد مرجعیت علمی و اجتماعی در دانشجوی دکتری؛ همکاری با دانشجویان دکتری برای انجام کار پژوهشی مشترک؛ کسب نتایج بهتر از انجام رساله‌های دکتری نسبت به ارشد؛ حصول نتیجه اثربخش از پژوهش در نتیجه همراهی دانشجوی دکتری با استاد؛ مقبولیت دانشجویان دکتری برای تدریس؛ تأکید بر رسیدن به اجتهاد در قالب رساله دانشجویان دکتری؛ تأکید بر دانستن جایگاه رشته و فلسفه مباحث توسط دانشجویان دکتری؛ همپاری دانشجو در موضوع موردنظر برای تدریس در تحصیلات تکمیلی؛ تلاش برای آموختن راهبردهای تدریس به دانشجویان دکتری؛ داشتن دید هستی‌شناسانه و پیشینه‌یابی برای پژوهش به‌ویژه در دکتری؛ الزام استادان مبنی بر انجام پژوهش در دوره دکتری؛ تولیدکننده بودن در دوره دکتری؛ دستیابی به مرجعیت علمی و اجتماعی و قابلیت تولید در دوره دکتری؛ تأکید بر مرجعیت علمی و تولیدات استادان؛ ایده پردازی دانشجویان دکتری و تأثیر آن در پیوند آموزش و پژوهش؛ لزوم توجه بیشتر به منابع جدید برای مقطع دکتری؛ ترغیب دانشجویان دکتری به تفکر درباره موضوعات فراتر از کتاب؛ وزن زیاد آموزش و پژوهش بنیادی در دوره دکتری؛ اهمیت پژوهش در مقاطع بالاتر؛ نوآوری در مقطع دکتری؛ رویکرد پژوهشی در دوره دکتری؛ تأکید بر حل مسائل نظری و تئوری در دوره دکتری؛ محوریت پژوهش در دوره دکتری؛ پرورش ایده‌های جدید و نوآوری در مقطع دکتری. یادگیری راهبردهای پژوهش برای انجام تحقیقات الزام دانشجویان به مطالعه مقاله به‌عنوان تکلیف هفتگی؛ تشکیل گروه پژوهش متشکل از دانشجویان؛ هدایت دانشجو برای تبدیل پژوهش به نقدینگی؛ تولید دانش از طریق انجام پروژه‌های پژوهشی دانشجویان؛ انجام تحقیقات عملی؛ تحلیل آن‌ها و مقایسه با مقالات جهان؛ استخراج عناوین جدید پژوهشی از تحقیقات انجام شده؛ بروز خلاقیت در مواجهه با مشکلات از طریق پژوهش؛ استقبال از تمایل دانشجویان برای انجام پروژه‌ها؛ طرح موضوع و وادار کردن دانشجو به تفکر برای حل مسئله؛ تلاش برای هدفمندسازی فرایند تحقیقات و کمک به دانشجویان؛ انتخاب حوزه پژوهشی بر اساس نیاز جامعه و آینده‌پژوهی؛ نیاز پژوهش متعالی به صرف وقت و انجام محدود آموزش در کنار آن؛ تلاش برای یاددهی پژوهش به دانشجویان؛ کوشش برای واگذاری کار عملی به دانشجویان؛ الزام دانشجویان بر تهیه دفترچه پژوهشی مبتنی بر علایق پژوهشی، تأکید بر شناسایی مسئله برای پژوهش توسط دانشجو؛ تأکید بر انتخاب موضوع دانشجویان بر اساس انگیزه و مطالعه؛ الزام دانشجویان بر مرور و مقایسه پژوهش‌ها برای ارائه؛ کمک به دانشجو برای شناسایی موضوع متناسب با انگیزه و توانایی؛ تأکید بر فراگیری فنون پژوهش از طریق	برای تدریس کاربردی در دوره کارشناسی؛ الزام دانشجویان بر مشارکت در تدریس؛ تلاش برای دستیابی به پاسخ‌ها توسط خود دانشجویان؛ طراحی برنامه درسی و سیلابس در اکوسیستم آموزشی؛ تلاش برای انتقال درس به روش‌های متنوع برای کارشناسی؛ تدریس به شیوه سقراطی؛ تدریس برخی دروس به سبب جهت‌دهی ذهنی دانشجو؛ تلاش برای یادگیری دانشجو در جهت استفاده از منابع برای ارتقاء دانش؛ تلاش برای آموزش مبتنی بر انگیزه و نیاز فکری مخاطب؛ تلاش برای مشارکت دانشجو در یادگیری مطالب؛ تلاش برای جستن دانش توسط دانشجو؛ تأکید بر استفاده از اسلاید برای آموزش مجازی؛ تلاش بر استفاده از شیوه‌های متنوع؛ کوشش برای درگیر کردن ذهن یادگیرنده؛ تلاش برای استفاده از شیوه پرسش و پاسخ از دانشجویان کارشناسی؛ تلاش برای یادگیری دانشجو در کلاس؛ تلاش برای کوشش دانشجو در جهت پاسخ به سوالاتش؛ تلاش برای ایجاد خلاقیت در آموزش در هر ترم؛ در نظر گرفتن رویکرد و تکنولوژی بهتر برای دانشجویان؛ تأکید بر فراهم کردن فضای رقابتی در کلاس و ایجاد نشاط؛ نشان دادن نمونه کتاب‌های خارجی به دانشجویان ترم اول؛ تلاش برای مسجل کردن بعد کارگاهی کلاس‌های عملی؛ تأکید بر انتقال مفاهیم به بهترین شکل به دانشجو؛ استفاده از روش‌های مختلف برای تدریس؛ تلاش برای ایجاد درگیری فکری دانشجویان حین تدریس؛ عدم ارائه محتوای آماده به دانشجویان؛ عدم پاسخ مستقیم در ابتدای تدریس به دانشجویان؛ اختصاص فرصت به دانشجو برای ایجاد چالش ذهنی در او؛ تلاش برای اندیشیدن دانشجویان به فرایند فکر کردن، توجه به کارگروهی؛ انتقاد و ارزیابی مباحث در کلاس؛ الگوی عملی بودن برای دانشجو (در دروس عملی)؛ تأثیر مستقیم پژوهش‌های حرفه‌ای استاد در تدریس دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد؛ اهمیت عمق پیدا کردن مطالب به جای حفظ آن‌ها؛ تأکید بر کسب تجربه عملی دانشجو برای عمیق شدن در درس؛ تلاش برای اثرگذاری از طریق آموزش؛ لزوم معرفی منابع برای استفاده دانشجویان؛ شفافیت آموزش با مشارکت دانشجو و ارائه سرفصل؛ تلاش برای استفاده از امکانات کمک آموزشی در کارشناسی؛ کمک به دانشجو برای کسب نمره مطلوب در مقطع کارشناسی؛ اخلاق و روش تدریس استاد، دو ویژگی آموزش؛ تلاش برای فراگیری مهارت‌ها توسط دانشجویان؛ نشان دادن تنوع دیدگاه‌ها در آموزش و ایجاد انعطاف‌پذیری ذهنی در دانشجو؛ آگاه کردن دانشجویان نسبت به مرزهای علم و دانش؛ آگاه کردن دانشجو نسبت به دانش نظری و عملی استاد؛ ارتباط بیشتر استاد با دانشجو با کاهش حجم کلاس‌ها؛ تعیین تکلیف برای دانشجو در جهت تغییر نگرش و عملش؛ تلاش در جهت تصمیم‌سازی دانشجویان تحصیلات تکمیلی؛ واگذاری کلاس به دانشجویان و هدایت آنان در تحصیلات تکمیلی؛ تعریف یک واژه با استفاده از تعاریف موردقبول همگان برای دانشجویان جدید؛ تدریس به جهت فهم آینده رشته برای دانشجویان نووارد؛ صرف وقت زیاد برای
---	--

پایان نامه؛ پرورش قابلیت های پژوهش برای هر سه مقطع؛ تلاش برای هموار کردن مسیر پژوهش برای همه مقاطع؛ الزام دانشجو بر ارائه مقالات و کتب علمی در کلاس درس؛ تلاش برای تجربه مراحل مختلف پژوهش در کلاس؛ میان رشته ای عمل کردن در نتیجه ورود عمیق به پژوهش؛ تلاش برای ایجاد تجربه پژوهشی برای دانشجویان کارشناسی. ابزارگرایی پژوهش ترغیب استادان به چاپ مقالات جی سی آر؛ دیدگاه شمارشی دانشگاه نسبت به پژوهش های استادان؛ اهمیت دادن دانشگاه به تعداد مقالات و انتشار در مجلات معتبر؛ انحراف از مسیر تولید علم به واسطه تأکید بر مقالات جی سی آر؛ به حاشیه رفتن آموزش به واسطه تأکید بر قسم خاصی از پژوهش؛ محدود شدن پژوهش به مقالات غیر کاربردی. تمایل به انجام پژوهش مستقل از دانشجو تمایل به انجام کارهای پژوهشی مستقل به منظور اطمینان از صحت آن؛ عدم رغبت به پرکردن رزومه پژوهشی با کارهای دانشجویی؛ استقلال پژوهش ها با هدف تهیه مقاله؛ اعلام برائت از تولید دانش به وسیله دانشجو؛ نفرت از برچسب زدن دانشجویان مبنی بر سهم بودن در پیشرفت استاد؛ ترجیح بر انجام پژوهش های مستقل تا پذیرش پایان نامه؛ تلاش برای انجام پژوهش سوای از کارهای پژوهشی دانشجویان؛ کسب نتایج مفید از تحقیقات انجام شده توسط خود استادان؛ انجام پژوهش برای کشف خواسته ها و علایق خود؛ عدم تبعیت محض دانشجو از استاد در تحصیلات تکمیلی.	دانشجویان؛ شرکت کردن تیمی و تجزیه تحلیل بحث توسط دانشجویان؛ ترغیب دانشجویان به جست و جوی اطلاعات جدید؛ پشتوانه علمی استاد، زمینه ساز ظهور مؤثر او در کلاس؛ تلاش برای استفاده از تجهیزات موجود در راستای آموزش و پژوهش؛ تأکید بر استفاده از دوربین در کلاس های مجازی کم جمعیت؛ تلاش برای گفت و گوی آنلاین با دانشجویان دکتری؛ تأکید بیشتر بر تفاوت های فردی دانشجویان کارشناسی؛ توجه به انجام تکالیف کلاسی با روش شناسی صحیح؛ تأکید بر انجام آموزش های نظری و عملی در کنار هم؛ پاسخ گرفتن در کلاس درس با رعایت اکوسیستم؛ تغییر نگاه دانشجو در نتیجه مشاهده عملکرد استاد در اکوسیستم آموزشی؛ کسب نمره منوط به انجام تکلیف در تحصیلات تکمیلی؛ تمرکز بر مبانی نظری معین؛ استفاده از منابع فارسی و انگلیسی در برنامه آموزشی؛ استفاده از مقالات در برنامه آموزشی؛ سوق دهی دانشجویان به استفاده از مقالات فارسی در کارشناسی؛ استفاده از مقالات انگلیسی در دوره کارشناسی ارشد؛ سوق دهی دانشجویان برای استفاده از مقالات؛ انجام شیوه تدریس متناسب با نیاز و شرایط دانشجویان؛ تحریک ذهن دانشجو برای پرسشگری های پژوهشی حین درس؛ استفاده از شیوه پرسش و پاسخ به ویژه در تحصیلات تکمیلی.
--	---

رابطه یا عدم رابطه آموزش و پژوهش

چنانکه در مرور ادبیات پژوهش اشاره شد، سه رویکرد کلی در رابطه بین آموزش و پژوهش مطرح شده است. بر اساس نتایج این پژوهش به استناد مصاحبه های صورت گرفته با استادان دانشگاه، می توان به وجود رابطه بین آموزش و پژوهش اشاره نمود که به دو صورت رابطه مثبت و منفی و یا عدم وجود رابطه قابل تصور است. رابطه مثبت بین آموزش و پژوهش به معنای اثربخشی متقابل آموزش و پژوهش، رابطه منفی به معنای رابطه یک طرفه آموزش و پژوهش (آموزش مبتنی بر پژوهش و پژوهش مبتنی بر آموزش) و عدم رابطه نیز بدان معناست که ماهیت و کارکرد آموزش و پژوهش با یکدیگر متفاوت بوده و این دو هیچ گونه ارتباطی باهم نخواهند داشت. از مجموع مصاحبه شوندگان، بیش از ۸۰ درصد آنان به وجود رابطه بین آموزش و پژوهش در دانشگاه باور داشتند و برخی دیگر به عدم رابطه معتقد بودند. به طور نمونه برخی مصاحبه شوندگان اظهار داشتند:

«چند سالی هستش که رابطه بین آموزش و پژوهش در داخل دانشگاه رابطه خوبی شده (SPO-13). یک فرایند رفت و برگشتی است یعنی تعاملیه که پژوهش، آموزش رو تغذیه می کنه، آموزش پژوهش رو هدایت می کنه (PSY-4) از لحاظ رویکردی اره من مثلاً تو بحث های آموزشی رویکردهایی که استفاده می کنم همون رویکردهایی هستش که توی پژوهشم دارم استفاده می کنم ولی از لحاظ موضوعی نه ربطشون ربط کاملی نیستش من نمیتونم صرفاً از پژوهش هام استفاده بکنم برای آموزش (PSY-2) یعنی اصلاً این دوتا انقدر از همدیگه جدا شدن که به اساتید خیلی اجازه داده نمیشه عملاً که یک چنین کاری رو بکنن یعنی پژوهشهاشون رو مقالاتشون رو ماکول بکنن به اینکه مثلاً میخواد با آموزشی که من می دم در ارتباط باشه یک چنین چیزی زیاد دیده نمیشه / قاعدتاً تو دوره کارشناسی بسیار ضعیفه (Man-6)

جدول ۲- رابطه و عدم رابطه آموزش و پژوهش در دانشگاه فردوسی مشهد

مفاهیم مربوط به مقوله باور به رابطه متقابل آموزش و پژوهش
اعتقاد به اثربخش بودن رابطه آموزش و پژوهش در دانشگاه؛ باور به عدم تفکیک آموزش از پژوهش؛ در کنار هم بودن آموزش و پژوهش به جهت اثرپذیری متقابل این دو؛ پیوستار آموزش و پژوهش؛ گردش در اکوسیستم آموزش (آموزش، پژوهش، ترویج و فناوری)؛ باور به در ارتباط بودن آموزش و پژوهش؛ رابطه رفت و برگشتی آموزش و پژوهش؛ باور به رابطه متقابل و اثرگذار آموزش و پژوهش؛ قائل به ارتباط تنگاتنگ بین آموزش و پژوهش؛ باور به عدم تفکیک آموزش و پژوهش در دانشگاه؛ آموزش و پژوهش محوری، پیوستاری از کارشناسی تا دکتری؛ تأکید بر لازم و ملزوم بودن آموزش و پژوهش؛ باور به عدم تفکیک آموزش و پژوهش؛ باور به برقراری رابطه بین آموزش و پژوهش؛ باور به عدم تفکیک آموزش از پژوهش؛ قائل به ارتباط تنگاتنگ و لازم و ملزوم بودن آموزش و پژوهش؛ اعتقاد به لازم و ملزوم بودن آموزش و پژوهش؛ باور به ذات غیرقابل تفکیک آموزش و پژوهش؛ باور به عدم تفکیک آموزش از پژوهش؛ اعتقاد به ماهیت جدانشدنی آموزش و پژوهش؛ در نظر گرفتن آموزش به عنوان یک اکوسیستم (آموزش، پژوهش، ترویج و فناوری)؛ قرارگیری استاد دانشگاه در اکوسیستم آموزشی (آموزش، پژوهش، ترویج و فناوری)؛ مولد بودن آموزش و پژوهش در کنار هم عامل برقراری پیوند؛ پیوند ذاتی آموزش و پژوهش در برخی دروس؛ باور به ذات تفکیکناپذیر و پیوستار آموزش و پژوهش؛ باور به برقراری رابطه بین آموزش و پژوهش؛ نسبی بودن آموزش و پژوهش؛ تلاش برای داشتن نگاه سیستمی به آموزش؛ استفاده از یک رویکرد یکسان برای آموزش و پژوهش؛ برقراری تعادل بین آموزش و پژوهش؛ ارتباط متقابل آموزش و پژوهش؛ انجام همزمان کار آموزشی و پژوهشی در دانشگاه؛ تعامل بین آموزش و پژوهش در ارتقاء دانشگاه؛ عدم امکان صرف اتکای آموزش به پژوهش؛ فاصله بین آموزش درجه پنج تا درجه یک در دانشگاه؛ واحدهای تدریس بالا، کاهش دهنده سطح آموزش و پژوهش؛ ارتباط نسبی بین تدریس و پژوهش در دوره ارشد؛ دشواری ایجاد رابطه بین آموزش و پژوهش؛ دوری آموزش و پژوهش از یکدیگر به علت تفاوتها؛ باور به ضعف پیوند بین آموزش و پژوهش؛ پراکنده کاری استادان، تشدیدکننده ضعف پیوند آموزش و پژوهش؛ باور به ارتباط پایین آموزش با پژوهش؛ باور به ضعف ارتباط بین آموزش و پژوهش؛ تأکید بر متفاوت بودن کارکرد پژوهش در آموزش؛ دشواری ورود پژوهشها به برنامه درسی قدیمی؛ عدم ربط کامل آموزش و پژوهش؛ مکفی نبودن پژوهشها برای برنامههای آموزشی (امکانناپذیری پیوند جنبههایی از آموزش با پژوهش)؛ محدود بودن پژوهش برای ورود به آموزش؛ انجام پژوهشهای کم مرتبط با تدریس به اقتضاء موضوعات درسی (اقتضای پژوهشی موضوعات درسی)؛ انسجام پایین تحقیقات در اثر صرف زمان زیاد برای آموزش؛ ایجاد فرسودگی ناشی از عدم تناسب پژوهشها با حجم آموزشها؛ ارتباط ضعیف به جهت وزن ۸۰ درصدی آموزش و ۲۰ درصدی پژوهش؛ نسبت پایین ارتباط بین آموزش و پژوهش در دروس پایه‌ای؛ ارتباط ضعیف بین آموزش و پژوهش در دروس غیرتخصصی گروه؛ اثرگذاری پژوهش بر آموزش وابسته به نوع (تخصصی یا تخصصی نبودن) درس استاد.
مفاهیم مربوط به مقوله (نبود رابطه و جدایی بین آموزش و پژوهش)
ضعف در برقراری ارتباط آموزش و پژوهش؛ خاصیت نامتوازن بودن آموزش و پژوهش در موقعیت‌های مختلف؛ باور به فقدان ارتباط سیستماتیک بین آموزش و پژوهش؛ باور به جدا بودن آموزش و پژوهش در دانشگاه؛ باور به عدم ارتباط بین آموزش و پژوهش؛ ضعف سرفصل، شیوه ارزیابی و موضوع محور نبودن پژوهشها عامل جدایی آموزش از پژوهش؛ اعتقاد به شعاری بودن آموزش مبتنی بر پژوهش و بالعکس؛ فقدان موضوعیابی در رساله‌ها و نتیجه برعکس آموزش و پژوهش؛ تکرار پژوهشها، مسبب تفکیک آموزش از پژوهش؛ عدم امکان بیان نتایج پژوهشها در قالب سرفصلها؛ عدم کارایی پژوهشهای علمی پژوهشی برای تدریس؛ عدم رابطه بین پژوهشهای علمی پژوهشی با دوره کارشناسی در علوم انسانی؛ فقدان انجام تحقیقات با هدف تدریس و دشواری آن؛ فاصله بین پژوهشهای در حال انجام با تدریس موجود در کلاس؛ عدم همخوانی و تناسب آموزشها با پژوهشها؛ عدم به کارگیری دستاوردهای پژوهش به عنوان یک موضوع آموزش مشخص؛ عدم استفاده خوب از آموزشها برای پژوهشها؛ باور به عدم ارتباط مناسب آموزش و پژوهش در دانشگاه؛ باور به شکاف بین آموزش و پژوهش؛ عدم توانایی استادان در وارد کردن حوزههای پژوهشی‌شان به آموزش؛ ایجاد فاصله بین آموزش و پژوهش به واسطه سرفصلها و نحوه ارزیابی.

به استناد پژوهش‌های انجام شده آموزش و پژوهش می‌توانند دارای رابطه‌ای دوطرفه یا یک‌طرفه (امکان پژوهش بدون آموزش و عدم امکان آموزش بدون پژوهش یا امکان آموزش بدون پژوهش و عدم امکان پژوهش بدون آموزش) باشند. به این معنا که صرفاً آموزش بر پژوهش اثرگذار بوده و یا فقط آموزش‌ها تحت تأثیر پژوهش قرار می‌گیرند؛ بنابراین در این بخش، یافته‌های پژوهشی مرتبط با این رابطه تحلیل شده است.

جدول ۳- رابطه آموزش و پژوهش (دوطرفه و یک‌طرفه)

مفاهیم مربوط به مقوله (ابتنای متقابل آموزش و پژوهش)
تأکید بر داشتن رویکرد آموزشی و پژوهشی مشترک؛ امکان‌پذیر نبودن آموزش بدون پژوهش و برعکس؛ باور به نقش هم‌افزای آموزش و پژوهش برای یکدیگر؛ تلاش برای آموزش مبتنی بر پژوهش و برعکس؛ تلاش برای آموزش مبتنی بر پژوهش و پژوهش مبتنی بر آموزش؛ تلاش برای در کنار هم قرار دادن آموزش و پژوهش؛ نگارش کتاب برای انجام پژوهش مرتبط با تدریس؛ تأکید بر آموزش مبتنی بر پژوهش و پژوهش مبتنی بر آموزش؛ پیوند اکوسیستم‌های آموزش و پژوهش؛ نابود کردن دانشگاه در صورت تقطیع آموزش از پژوهش؛ تلاش برای ایجاد گفتمان آموزش پژوهش‌محور و پژوهش آموزش‌محور؛ دستیابی به آموزش پژوهش‌محور و پژوهش آموزش‌محور با قرار گرفتن مقاله در کتاب؛ تلاش برای رعایت اکوسیستم آموزشی پژوهشی هیئت علمی.
مفاهیم مربوط به مقوله (آموزش مبتنی بر پژوهش (آموزش پژوهش‌محور))
تلاش برای آموزش مبتنی بر پژوهش در دروس عملی؛ ضرورت طرح‌ریزی درس مبتنی بر رویکرد پژوهشی استاد؛ تدریس مبتنی بر شواهد پژوهشی؛ آموزش مبتنی بر انجام پروژه در تحصیلات تکمیلی؛ تکمیل فرایند آموزش از طریق انجام فعالیت‌های پژوهشی؛ عینی کردن دروس از طریق یافته‌های پژوهشی؛ به‌روزرسانی تدریس از طریق پژوهش؛ آموزش درجه‌یک به معنای تدریس نظریات مبتنی بر هویت خود؛ تأکید بر انجام پژوهش به‌روز برای آموزش خوب؛ آموزش مؤثر در نتیجه استفاده از تجربیات پژوهشی خود؛ استفاده از پژوهش برای آموزش در تحصیلات تکمیلی؛ ترویج آموزش از طریق پژوهش؛ پژوهش جزو ذاتیات آموزش؛ باور به تدریس مبتنی بر یافته‌های جدید؛ آموزش مستلزم پژوهش و داده‌های جدید؛ اثربخشی آموزش مبتنی بر یافته‌های پژوهش؛ تلاش برای ورود پژوهش حین تدریس در دوره کارشناسی؛ تأکید بر استفاده از نتایج پژوهش در آموزش؛ پژوهش و داده‌های پژوهشی دیگران، ماده اولیه آموزش؛ باور به امکان پژوهش بدون آموزش و عدم امکان آموزش بدون پژوهش (ارتباط یک‌طرفه)؛ تأکید بر پژوهش‌های دانشمندان در دوره دکتری؛ ارائه نمونه‌های پژوهشی خود در کلاس؛ وابستگی مدرسین به پژوهش‌های قبلی؛ ارائه کارهای تحقیقاتی در دوره دکتری؛ برانگیختن دانشجویان با ارائه نمونه‌های پژوهشی؛ ارائه داده‌های پژوهشی خود در اختیار دانشجویان؛ استفاده از نتایج پژوهش‌های انجام شده خود و دانشجویان در کلاس؛ استفاده از پژوهش‌های خود و دیگران؛ استفاده از نتایج تحقیقات دیگران؛ ارائه مطالب مبتنی بر شواهد حاصل از پژوهش‌های استاد یا دیگران؛ ارائه و نقد نظریه‌ها در مقطع دکتری؛ استفاده از نتایج پژوهش‌های خود و دیگران در تدریس تحصیلات تکمیلی؛ تدریس استادان بر اساس پژوهش‌های دیگران؛ بهره بردن دانشجویان از ایده‌های پژوهشی مطرح شده استاد؛ آموزش مبتنی بر پژوهش و تجربه کاری؛ انتقال پژوهش‌های جدید به کلاس درس؛ تدوین کتاب از پژوهش‌های استاد برای تدریس در کلاس؛ تلاش برای استفاده از پژوهش‌های دیگران؛ معرفی کتاب‌های دیگران در حوزه‌های پژوهش شده؛ تأکید بر استفاده از پژوهش‌های دیگران در حوزه‌های غیر تخصصی؛ استفاده از آخرین پژوهش‌ها برای تدریس دوره کارشناسی؛ استفاده از نتایج پژوهش‌های (به‌ویژه فردی) در کلاس درس؛ انجام مطالعات تابستانی و انتقال نتایج آن به دانشجویان در ترم آینده؛ طرح نمونه‌های کاری خود و دیگران در کلاس؛ مثال آوردن از کارهای پژوهشی خود در کلاس؛ طرح چالش‌های پژوهشی در کلاس؛ ارائه پژوهش‌های مرتبط با روش تحقیق به دانشجویان؛ ارائه نتایج کارهای پژوهشی خود در حین تدریس؛ جمع‌آوری نتایج پژوهش‌های خود در قالب کتاب و تدریس به دانشجویان؛ ارائه آخرین یافته‌ها به دانشجویان در حین تدریس؛ تلاش بر مجهز بودن به آخرین یافته‌های پژوهشی برای حضور در کلاس؛ آگاهی از خلأهای پژوهشی و انتقال آن به دانشجویان؛ استفاده از پژوهش‌ها برای ارائه مثال‌های عینی در کلاس؛ تشویق استادان به استفاده از آثار علمی‌شان در برنامه درسی؛ الزام شخصی به تدریس مبتنی بر یافته‌های پژوهشی خود در کلاس؛ تأکید بر استفاده استاد از یافته‌های خود در تحصیلات تکمیلی؛ استفاده از پژوهش‌های دیگران در کنار پژوهش‌های خود؛ استفاده صرف از

تمام مقالات خود در برخی کلاس‌ها؛ نسبی بودن تأثیر پژوهش بر آموزش؛ تقویت نقش پژوهش برای استاد در صورت طرح و بحث آن با دانشجویان؛ تأکید بر ارائه مطالب تازه در تحصیلات تکمیلی؛ تأکید بر انتقال آخرین مطالب به دانشجوی؛ آشنایی دانشجویان با یافته‌های موجود پس از آشنایی استاد با آن‌ها؛ ارائه دید واقع‌بینانه به دانشجوی از طریق ارائه نتایج پژوهش‌ها؛ تلاش برای تمرین کار پژوهشی در کلاس؛ لزوم استفاده از تاریخ علم به جهت تنوع موضوعات درسی؛ مشاهده اثر نامطلوب آموزشی در نتیجه نبود سابقه پژوهشی؛ آموزش درجه پنج به معنای تدریس پژوهش‌های دیگران.
مفاهیم مربوط به مقوله (پژوهش مبتنی بر آموزش (پژوهش آموزش‌محور))
لازمه انجام پژوهش؛ فعالیت در محیط آموزش؛ تأکید بر انجام پژوهش مبتنی بر آموزش خود؛ ایجاد جرقه برای پژوهش در حین کلاس درس؛ ایجاد جرقه‌های پژوهش در حین آموزش؛ استخراج پژوهش از دل آموزش؛ باور به آموزش در خدمت پژوهش؛ پژوهش مؤثر، لازمه آموزش به‌روز، بهره‌گیری از تجارب محیط درس برای پژوهش، آموزش به‌عنوان ابزار انتقال یافته‌های پژوهشی؛ یادگیری حین پژوهش مصداق واقعی آموزش؛ حجم آموزش مؤثر بر کیفیت پژوهش در حال تولید؛ ارزشمند نبودن جرقه‌های پژوهشی بدون استناد در حین آموزش.

جدول ۴- شدت و ضعف رابطه آموزش و پژوهش در دانشگاه فردوسی مشهد

مفاهیم مربوط به مقوله (ضعف رابطه آموزش و پژوهش در دوره کارشناسی)	مفاهیم مربوط به مقوله (پیوند قوی آموزش و پژوهش در دوره تحصیلات تکمیلی)
پیوند ضعیف آموزش و پژوهش در دوره کارشناسی	پیوند قوی‌تر آموزش و پژوهش در تحصیلات تکمیلی
عدم رغبت دانشجوی و استاد برای ایجاد پیوند در کارشناسی	افزایش امکان ارتباط بین آموزش و پژوهش در دوره دکتری
تنوع دروس دوره کارشناسی مانع ارتباط بین آموزش و پژوهش	ارتباط قوی‌تر در کارشناسی ارشد
نبود ارتباط بین پژوهش و آموزش در کارشناسی به دلیل تأکید بر پژوهش صرفاً علمی	افزایش ارتباط بین آموزش و پژوهش در تحصیلات تکمیلی
عدم امکان ایجاد ارتباط بین آموزش و پژوهش در دوره کارشناسی	پیوند قوی‌تر بین آموزش و پژوهش در تحصیلات تکمیلی
ارتباط ضعیف آموزش و پژوهش در دوره کارشناسی	ارتباط ۱۰ درصدی بین آموزش و پژوهش در ارشد
امکان‌پذیر نبودن طرح پژوهش‌های پیشرفته در کلاس‌های دروس پایه	ارتباط ۶۰ درصدی بین آموزش و پژوهش در دکتری
عدم تناسب رویکرد آموزش پژوهش‌محور و پژوهش آموزش‌محور در دوره کارشناسی	نگاه متفاوت به آموزش و پژوهش در کارشناسی ارشد
ضعف ارتباط آموزش و پژوهش در کارشناسی	

پیش‌برنده‌ها و بازدارنده‌های رابطه آموزش و پژوهش

بنا بر نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل مصاحبه‌ها در پاسخ به پرسش عوامل مؤثر بر رابطه آموزش و پژوهش، این چنین استنباط می‌شود که عوامل پیش‌برنده یا بازدارنده‌ای در برقراری یا عدم برقراری رابطه آموزش و پژوهش نقش پررنگی دارند؛ بنابراین، با توجه به اینکه بین بیانات اعضای هیئت‌علمی از حیث نظر با آنچه در عمل اتفاق می‌افتد، فاصله وجود دارد؛ این فاصله به خاطر وجود عواملی است که نقش بازدارندگی یا پیش‌برندگی دارند. این عوامل عبارت‌اند از علاقه و انگیزه دانشجوی، جهت‌دهی رابطه از طریق سیاست‌گذاری، هویت علمی

استادان؛ پیونددهنده آموزش و پژوهش، تعهد کاری و سازمانی بالا، مزیت آفرینی در تحصیلات تکمیلی، گرایش به همکاری های مشترک و بین رشته ای و تعامل خوب با دانشجو، بی انگیزگی و ضعف دانشجویان، عدم تطبیق آموزش و پژوهش با نیازها، غلبه انگیزه مالی در پژوهش و عدم حمایت دانشگاه، چالش و دشواری دوره کارشناسی نسبت به ارشد، ضعف ساختاری دانشگاه و زیرساخت های پژوهشی آن، ضعف کیفیت آموزش و پژوهش های دانشجویی و جهت دهی قوانین به فعالیت های آموزشی و پژوهشی می باشد. به طور نمونه برخی مصاحبه شوندگان اظهار داشتند:

«اگه دانشجو هرچقدر علاقه مندتر باشه عملاً استاد با چالش بیشتری همراهه (Geo-10). عواملی هم که باعث می شه من بین آموزش و پژوهش رابطه برقرار کنم اعتقاد و باور بنده است که هیچ آموزشی بدون پژوهش به خوبی برگزار نمیشه و هیچ پژوهشی هم بی نیاز از آموزش نیست (Edu-8) ببینین اساتید شما یا خود ماها چند درصد مقالاتی رو دارن در جی سی آر با ترغیب همین سیستم آموزش عالی، اون ها رو ترغیب می کنه جی سی آر چاپ کنن. ما چاپ می کنیم که درواقع نتایجش برای ما نیست، برای جامعه غریبه یعنی ما چیزهایی رو داریم تحقیق می کنیم و چاپ می کنیم که اصلاً قرار نیست ما خودمون استفاده کنیم یعنی یکجوری برده داری نویسه (Psy-1)

جدول ۵- پیش برنده ها و بازدارنده ها در رابطه آموزش و پژوهش در دانشگاه فردوسی مشهد

پیش برنده های رابطه آموزش و پژوهش	بازدارنده های رابطه آموزش و پژوهش
علاقه و انگیزه دانشجو توان علمی دانشجو، پیونددهنده آموزش و پژوهش، علاقه دانشجو به پژوهش، عامل مؤثر بر چگونگی هدایت پایان نامه؛ توان دانشجو، عامل مؤثر بر پیوند آموزش و پژوهش؛ تأکید بر علاقه شخصی دانشجویان برای پایان نامه؛ مقطع، دانش و درس قابل تدریس، تعداد افراد کلاس عوامل تأثیرگذار پژوهش بر آموزش؛ علاقه و زمینه دانشجو، عامل مؤثر در پیوند آموزش و پژوهش؛ نتایج خوب پژوهش های انگیزشی؛ تلاش برای اجباری نبودن موضوع پایان نامه دانشجویان؛ تأکید بر پذیرش پایان نامه دانشجویان مستعد و باعلاقه؛ خودانگیخته بودن دانشجویان برای انجام پروژه ها؛ ایجاد انگیزه در دانشجو با آگاهی از خلا های پژوهشی؛ افزایش تمایل و انگیزه استاد و دانشجو در تحصیلات تکمیلی؛ عدم تحمیل موضوع پایان نامه به دانشجویان. جهت دهی رابطه از طریق سیاست گذاری تأثیر سیاست ها و آیین نامه ها در رابطه آموزش و پژوهش؛ لزوم وجود سازوکار برای برقراری ارتباط بین آموزش و پژوهش؛ اهمیت الزامات سازمانی نسبت به فردی؛ خودتنظیمی استادان بر اساس الزامات سازمانی دانشگاه؛ ضرورت اصلاح قوانین به نفع پژوهش در آموزش؛ باور به تعریف الزامات سازمانی انگیزشی برای ایجاد پیوند؛ تأثیر آیین نامه های جدای آموزشی و پژوهشی بر رابطه آموزش و پژوهش؛ تأثیر الزامات سازمانی بر رابطه؛ الزامات سازمانی مؤثر بر فعالیت های اعضای هیئت علمی. هویت علمی استادان؛ پیونددهنده آموزش و پژوهش هویت علمی استاد عامل مؤثر در ایجاد ارتباط بین آموزش و پژوهش؛	بی انگیزگی و ضعف دانشجویان عدم علاقه مندی دانشجویان به دروس طی چهار سال اخیر؛ ضعف دانشجویان و کرونا مانع انجام پژوهش هم زمان با آموزش؛ کاربرد پرستیژی مدرک برای بسیاری از دانشجویان؛ بی تجربگی دانشجو به واسطه نبود تجهیزات؛ ضعف آموزش در نتیجه فراهم نبودن بستر و انگیزه دانشجویان؛ عدم تحمل دانشجویان برای حضور در ۲ ساعت کلاس در هفته؛ خروجی پایین آموزش به دلیل تغییر دانشجویان نسبت به گذشته؛ نبود علاقه و توان کافی در دانشجویان؛ تمایل دانشجویان برای تحصیل به شیوه دانش آموزی؛ بی هدف بودن دانشجویان؛ روحیه دانش آموزی دانشجویان؛ کاهش انگیزه های دانشجویان؛ نگرانی دانشجویان در مورد نمره؛ تربیت دانشجویان سطحی نگر به واسطه ژرف نبودن آموزش ها و پژوهش ها؛ رغبت پایین دانشجویان به مطالعه دروس؛ تأکید بر مدرک گرا بودن دانشجویان؛ ضعیف بودن دانشجویان. عدم تطبیق آموزش و پژوهش با نیازها عدم تناسب انتظارات سازمانی و اجتماعی و نیازهای فردی استادان؛ چالش استفاده از دانش حاصل از آموزش و پژوهش در ارتباط با جامعه؛ تقابل نیازهای جامعه با توصیه های علم و پژوهش در دانشگاه؛ نامناسب بودن نتایج مقالات جی سی آر با نیازهای جامعه ما؛ عدم تطابق آموزش با نیازهای جامعه؛ قابل دفاع نبودن مقالات علمی پژوهشی در همه رشته ها؛ ناکامی در استفاده از دانش و مهارت های کسب شده؛ شکاف بین علوم انسانی و بازار کار؛ خدمت پایین به جامعه بر اثر تأکید بر مقالات علمی پژوهشی؛ کاربرد صرف مقالات علمی پژوهشی برای دوره دکتری و عدم تناسب آن با نیازهای دانشجویان ارشد و کارشناسی؛ عدم تناسب

قائم به فرد بودن پیوند بین آموزش و پژوهش؛ پژوهش لازمه هویت علمی استادان؛ عضو هیئت علمی، پیونددهنده آموزش و پژوهش؛ تأثیر باور و عمل استاد در برقراری رابطه آموزش و پژوهش؛ تأکید بر به روز بودن استادان برای افزایش ارتباط آموزش و پژوهش؛ تأکید بر سواد استادان برای افزایش ارتباط آموزش و پژوهش؛ عوامل فردی هویت علمی استاد، مؤثر در برقراری رابطه؛ توجه به مطالعه دانشجویان قبل تدریس برای برقراری پیوند؛ ایجاد احساس مثبت در دانشجو با شناخت هویت و پژوهش های استاد؛ افزایش احساس هویت و انگیزه از طریق کاربرد پژوهش در آموزش؛ ثبت درس به نام استاد در نتیجه پژوهش مستمر؛ تأسیس شرکت فناوری برای نشان دادن پژوهش مرتبط با بازار کار؛ تأثیر تجربه استادان بر ارتقاء رابطه آموزش و پژوهش؛ داشتن تجربه کار حرفه ای مؤثر بر رابطه؛ تأکید بر عملکرد استاد در ارتباط بین آموزش و پژوهش؛ تلاش برای مطالعه قبل از آموزش؛ تلاش برای نفوذ در روان فراگیران قبل از انجام آموزش.

تعهد کاری و سازمانی بالا

تلاش برای خوب کار کردن و تمرکز بر کار؛ موفقیت در انجام وظایف در چارچوب دانشگاه؛ تعصب روی دانشگاه فردوسی مشهد؛ عدم تدریس در خارج از دانشگاه؛ عدم تدریس در خارج از دانشگاه؛ تدریس و پژوهش فقط در دانشگاه؛ تمرکز بر تدریس فقط در دانشگاه.

گرایش به همکاری های مشترک و بین رشته ای

فعالیت میان رشته ای در آموزش و پژوهش؛ تمرکز روی موضوعات بین رشته ای؛ همکاری پژوهشی با دانشگاه های خارجی؛ همکاری با دیگر دانشکده ها؛ داشتن همکاری درون و برون دانشگاهی بالا؛ تمایل به ارائه درس مشترک؛ انجام کار پژوهشی مشترک؛ باور به سودمندی همکاری های فراتر از سطح گروه؛ عضویت در یک تیم پژوهشی برون دانشگاهی؛ همکاری اندک با دانشگاه های دیگر؛ همکاری با پژوهشگران خارج از دانشگاه و کشور؛ همکاری با دیگر دانشگاه ها به عنوان همکار پژوهشی؛ همکاری با گروه های دانشگاه به عنوان استاد مشاور؛ همکاری با دانشگاه ها در قالب برگزاری کارگاه و تدریس؛ همکاری با مراکز پژوهشی؛ همکاری با دانشگاه ها برای داورى پایان نامه و رساله؛ تلاش برای برقراری ارتباطات علمی مؤثر در داخل و خارج؛ همکاری با مؤسسات خارج دانشگاه در قالب کارگاه و پروژه؛ همکاری با مؤسسات عام المنفعه و وابسته به وزارت علوم؛ همکاری با دانشگاه ها در قالب داورى پایان نامه و رساله؛ همکاری با مؤسسات آموزشی بر اثر رودبایستی؛ برگزاری کارگاه های روش تدریس برای اعضای هیئت علمی؛ حضور حداکثری در دانشگاه به دلیل فعالیت های پژوهشی؛ همکاری پژوهشی با سازمان ها؛ همکاری پژوهشی صرفاً داخل دانشگاه و با سازمان های اجرایی؛ مشاوره برای سازمان ها و

آموزش ها با نیازهای پژوهشی؛ کاربرد ۲۰ درصدی پژوهش های علمی پژوهشی در دکتری؛ کاربرد ۱۰ درصدی پژوهش های علمی پژوهشی در ارشد.

چالش و دشواری دوره کارشناسی نسبت به ارشد

تفاوت کارشناسی و کارشناسی ارشد در انتخاب یا عدم انتخاب راه حل؛ همراهی پژوهش های موافق با متناقض در ارشد و عکس آن در کارشناسی؛ وجود چالش های بیشتر دوره کارشناسی نسبت به سایر مقاطع؛ دانش کم دانشجو و جمعیت کلاس ها در دوره کارشناسی مانع واگذاری کلاس به آنان؛ تمرکز بر اصول پایه در دوره کارشناسی و عدم ضرورت تدریس موضوعات تخصصی؛ استفاده بیشتر از پژوهش برای آموزش دوره کارشناسی؛ نوآوری پایین در دوره کارشناسی؛ دشواری شیوه پرسش و پاسخ در مقطع کارشناسی.

غلبه انگیزه مالی در پژوهش و عدم حمایت دانشگاه

در نظر گرفتن هزینه پژوهش پایین دانشگاه برای هیئت علمی؛ صرف وقت و هزینه شخصی برای انجام پژوهش؛ پاسخگوی نیازها نبودن و عدم حمایت دانشگاه از نظر مالی؛ حمایت مالی پایین در مقابل توقعات سیستمی بالا؛ تولید مقاله، تکمیل واحدها و پول عواملی بر پراکنده کاری اساتید؛ نگاه مالی برخی اساتید به پایان نامه؛ جبران توانمندی های اقتصادی از طریق پایان نامه نشانه ضعف استادان؛ نگاه درآمدزایی به تدریس مانع رابطه آموزش و پژوهش؛ عدم صرف وقت برای پژوهش در صورت وجود دیدگاه اشتغال زایی به آموزش.

ضعف ساختاری دانشگاه و زیرساخت های پژوهشی آن

عدم اعتماد دانشگاه به گروه های آموزشی و نگاه سلسله مراتبی به آموزش؛ بی خبری دانشگاه از انجام پژوهش های استادان؛ نیاز به ابزار و تجهیزات برای آموزش و پژوهش؛ عدم توجه به تفاوت های بین دانشکده ها و رشته ها؛ عدم امکان حذف مقطع کارشناسی از ساختار دانشگاه؛ ماموریت گرا نبودن عضو هیئت علمی؛ مهیا نبودن شرایط برای انجام پژوهش در دانشگاه فردوسی؛ وجود سازوکارهای دست و پاگیر برای پژوهش در دانشگاه فردوسی؛ از دست رفتن ایده های پژوهشی استادان بر اثر مشغولیت با آموزش؛ سطحی بودن پژوهش ها در صورت پراکنده کاری استادان؛ نبود فرصت برای ارائه نتایج تحقیقات استاد در کلاس؛ بها ندادن به چاپ کتاب و تدریس نتایج حاصل از پژوهش در کلاس؛ عدم اقبال دانشجویان نسبت به انجام کار تحقیقی؛ تجربیات پژوهشی محدودتر در نتیجه تدریس دروس پایه و مبنای تأکید بر نقش کمرنگ پژوهش در دانشگاه؛ از دست رفتن انگیزه های پژوهشی استادان با تجربه به تدریس در مقطع کارشناسی؛ عدم استفاده از آوردهای پژوهشی در دروس پایه.

ضعف کیفیت آموزش و پژوهش های دانشجویی

کاهش کیفیت آموزش طی گذر زمان؛ کاهش کیفیت آموزش در نتیجه

عدم پژوهش استادان؛ بحران ضعف آموزش در سال‌های اخیر؛ غفلت از آموزش به سبب انجام پژوهش؛ حصول نتیجه ضعیف از پژوهش‌های دانشجویان؛ صرف انرژی بالا برای هدایت پایان‌نامه‌های دانشجویان ارشد؛ وسواس و مراقبت زیاد در راهنمایی پایان‌نامه‌ها؛ تکراری بودن پایان‌نامه‌ها؛ جدی نبودن پژوهش‌های فارسی ماحصل کار دانشجویان؛ حجم بالای دانشجویان به‌عنوان یک مانع. جهت‌دهی قوانین به فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی تدریس در مقاطع مختلف برحسب قواعد دانشکده؛ تعیین ظرفیت پژوهشی استادان توسط گروه، دانشکده و دانشگاه؛ تقسیم استاد مشاور بین استادان؛ تأثیر سوابق آموزشی در پایان‌نامه و رساله گرفتن هیئت علمی؛ تغییر سالانه پذیرش پایان‌نامه و رساله طبق ظرفیت‌ها؛ اخذ دو واحد درس در هر ترم برای حل مشکل گروه؛ متغیر بودن تعداد واحدهای درسی انتخابی در گروه؛ تقسیم‌بندی برای اخذ پایان‌نامه ارشد و دکتری استادان؛ تلاش برای متعادل نگه داشتن فعالیت‌های (موظفی‌های) آموزشی و پژوهشی؛ تغیر پذیرش مشاوره پایان‌نامه‌ها بسته به وقت و سابقه استاد؛ ظرفیت دانشگاه تعیین‌کننده اخذ پایان‌نامه و رساله استادان؛ توقعات گروه برای پذیرفتن برخی وظایف؛ تغییر ارزشیابی استادان بر مبنای الگوی مفهومی آموزش؛ ارزیابی هیئت علمی به‌صورت مدون در دانشگاه؛ عدم تمایز بین توانمندی‌های آموزشی و پژوهشی استاد توسط دانشگاه؛ شناخت پایین از توانمندی‌های هیئت علمی و سپردن مسئولیت اجرایی به آنان؛ اجبار به انجام هم‌زمان آموزش و پژوهش؛ لزوم وجود درس‌های اختیاری برای همه رشته‌ها؛ دست و پاگیر بودن سرفصل‌ها؛ تلاش برای متعادل نگه داشتن فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی؛ تلاش برای نظارت در امور آموزشی و پژوهشی دانشجویان؛ اجبار بر پذیرش پایان‌نامه و رساله؛ تلاش برای رعایت استاندارد موظف آموزشی و تدریس؛ متعادل نگه داشتن فعالیت‌های (موظفی‌های) آموزشی؛ تلاش برای تکمیل ظرفیت موظفی فعالیت‌های آموزشی.	مؤسسات؛ همکاری با دانشگاه‌ها، شهرداری و سازمان‌های مرتبط؛ ترجیح استادان به استفاده از ظرفیت مشاور سایر دانشگاه‌ها؛ همکاری با سازمان نظام روانشناسی خراسان؛ برقراری ارتباط با سازمان‌های اجرایی. مزیت‌آفرینی در تحصیلات تکمیلی تمرکز بیشتر روی دانشجویان تحصیلات تکمیلی؛ تمایل گروه به پذیرش بالای پایان‌نامه‌ها؛ افزایش مشارکت دانشجو در تحصیلات تکمیلی؛ مقالات انگلیسی عنصر اصلی در دکتری؛ حساسیت شدید اعضای گروه در پذیرفتن پایان‌نامه‌ها؛ منفعت استاد از دانشجوی دکتری. تعامل خوب با دانشجو برقراری رابطه دوستانه با دانشجویان؛ ایجاد حس خوب در دانشجو در کلاس درس؛ ایجاد رابطه تعاملی بین دانشجو و استاد طی انجام پروژه‌ها؛ برقراری ارتباط صمیمانه با دانشجویان.
--	---

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش توصیف و تحلیل تجارب زیسته اعضای هیئت علمی گروه علوم انسانی (الف) از پیوند آموزش و پژوهش در دانشگاه فردوسی مشهد و شناسایی عوامل مؤثر بر آن بود. نتایج پژوهش حاکی از آن است که آموزش فرایندی برای انتقال اطلاعات جهت تحریک یادگیری دانشجویان با ماهیتی تجربه محور می‌باشد. در این فرایند، با رویکردی تحلیلی و انتقادی مفاهیم شناخته و به‌روزرسانی می‌شوند و توانمندی برقراری ارتباط با مسائل جامعه در دانشجو ایجاد می‌شود. بازگویی و انتقال اطلاعات به‌عنوان یکی از عناصر مهم در تدریس و شاخص‌های آموزشی به‌عنوان محرکی برای افزایش و ایجاد امکان یادگیری عنوان شده است. اعضای هیئت علمی دانشگاه نیز از سازوکارهایی چون تدریس مفهومی و کاربردی، استفاده از جدیدترین روش‌های آموزشی برای ایجاد انگیزه و بهره‌گیری از منابع به‌روز، مشارکت دادن دانشجویان و بحث گروهی آنان در کلاس درس برای ایجاد چالش ذهنی و وادار کردن دانشجویان به تفکر و تعمق و همچنین

ایجاد فضای رقابتی و بانشاط در جهت توسعه حرفه‌ای دانشجویان بهره می‌گیرند. در همین راستا، با توجه به ماهیت متمایز آموزش در مقاطع مختلف، ترجیح استادان بر آموزش محوری در مقطع کارشناسی بوده است؛ بنابراین، دانشگاه با الگو قرار دادن آموزش، توجه خود را بیش‌ازپیش به این امر معطوف کرده است. این نتایج همسو با پژوهش‌های صمدزاده (۱۳۷۹)، حجازی و آراسته (۱۳۹۱)، جاهد و خسروی (۱۳۹۷) و آخمته و همکاران (۲۰۱۴) می‌باشد.

از سوی دیگر، پژوهش فرایندی با هدف گسترش دانش و ماهیتی حقیقت‌جو و مسئله‌محور به شمار می‌رود که درصدد رفع نیاز جامعه و پاسخ به مسائل آن می‌باشد. بر این اساس اعضای هیئت علمی دانشگاه تلاش کردند در یک حوزه معین به فعالیت پژوهشی بپردازند؛ بنابراین، به انجام پژوهش‌های کاربردی در راستای حل مسائل مربوطه مشغول می‌شوند. پژوهش محوری و مقاله‌نویسی با استفاده از راهبردهای پژوهشی متنوع چون یاددهی فنون پژوهش در پروژه‌های پژوهشی به دانشجویان، کمک به انتخاب موضوع و شناسایی مسئله در دوره تحصیلات تکمیلی به‌وضوح دیده می‌شود؛ مقاله‌ها، ارائه طرح‌های پژوهشی، یافته‌های پژوهشی کاربردی، تألیف و تصنیف کتب و توانایی در شناسایی مسئله به‌عنوان شاخص‌های پژوهشی شناخته می‌شوند. نتایج این پژوهش همسو با مطالعه حسین‌زاده و همکاران (۱۳۹۶) و جاهد و خسروی (۱۳۹۷) می‌باشد.

به استناد یافته‌های این پژوهش، به نظر می‌رسد بین آموزش و پژوهش در دانشگاه فردوسی مشهد رابطه وجود دارد و جهت این رابطه به استناد تجارب زیسته اعضای هیئت علمی به دو شکل مثبت و منفی قابل ملاحظه است (ماچریدیس و پائولسون و پیل، ۲۰۲۰؛ لای، دو و لی، ۲۰۱۴؛ اولیوارس دونوسو و گونزالس، ۲۰۱۸؛ کولیک، ۱۹۹۸؛ مک کینلی و همکاران ۲۰۲۰؛ لایت فوت و پیوتوخ، ۲۰۱۵؛ پانا و همکاران، ۲۰۱۴؛ نیومن، ۱۹۹۲؛ حجازی و آراسته، ۱۳۹۱؛ کلارک و هردوسی، ۲۰۱۹؛ جوشوه و آبی‌دین، ۲۰۱۲؛ نیومن، ۱۹۹۴؛ آرتسا و همکاران، ۲۰۱۷؛ گلی‌مور و همکاران، ۲۰۱۵؛ چالیکو اوغلو و همکاران، ۲۰۲۰؛ برنانا و همکاران، ۲۰۱۹؛ تیلور، ۲۰۰۸؛ احمد و همکاران، ۲۰۱۷؛ بوید و همکاران، ۲۰۱۲؛ بریو، ۲۰۱۰؛ بک و کیم، ۲۰۱۵؛ ژانگ و شین، ۲۰۱۵؛ و جلیبرت، ۲۰۱۹). اینکه انجام آموزش‌های مؤثر، سبب پژوهش‌های نوآورانه و باکیفیت شود و از طرفی انجام پژوهش‌های باکیفیت و نوآورانه، دستیابی به آموزش اثربخش را تسهیل نماید، نشان‌دهنده رابطه مثبت آموزش و پژوهش می‌باشد. یافته‌های این پژوهش همسو با مطالعه هتی و مارش (۱۹۹۶) مبنی بر وجود دو استدلال «عقل متعارف و الگوی G» برای پذیرش رابطه مثبت آموزش و پژوهش می‌باشد. یک‌طرف دیگر این پیوستار رابطه منفی بین آموزش و پژوهش را نشان می‌دهد که ناظر بر ضعف رابطه و به‌نوعی تأکید صرف بر آموزش و غفلت از پژوهش و یا توجه ویژه به پژوهش محوری و نادیده گرفتن فعالیت‌های آموزشی می‌باشد. نتایج این پژوهش مبنی بر ضعف بین آموزش و پژوهش و وجود شکاف در این زمینه همسو با نتایج مطالعه هتی و مارش (۱۹۹۶) مبتنی بر استدلال اول می‌باشد و بر وجود عوامل مداخله‌گری همچون تعهد و انرژی تأکید می‌کند؛ و هماهنگ با مطالعات بریو (۲۰۱۰)، بک و کیم (۲۰۱۵) و ژانگ و شین (۲۰۱۵) مبنی بر میزان رابطه نسبتاً اندک آموزش و پژوهش می‌باشد. برخی از اعضای هیئت علمی نیز معتقد به عدم برقراری رابطه در دانشگاه فردوسی مشهد می‌باشند. نتایج این پژوهش مبنی بر عدم وجود رابطه با هیچ‌کدام از استدلال‌های مطرح شده هم‌خوانی نداشته باشد؛ چراکه از دید مصاحبه‌شوندگان این پژوهش آموزش و پژوهش ماهیتی جداگانه از یکدیگر نداشته‌اند. نتایج پژوهش لیسیت و همکاران (۲۰۰۹) نیز آموزش و پژوهش را به‌عنوان دو فعالیت مجزا از یکدیگر در نظر گرفته بود. باور اعضای هیئت علمی نشان‌دهنده وجود رابطه ذاتی بین آموزش و پژوهش می‌باشد اما شواهدی از عدم رابطه را نیز به دلیل وجود برخی عوامل نشان می‌دهند. به نظر می‌رسد دیدگاه استادان در مورد رابطه آموزش و پژوهش در دانشگاه و در مقاطع مختلف نسبی است. به‌زعم آنان این رابطه در مقطع کارشناسی دارای ضعف و در دوره تحصیلات تکمیلی از قوت بیشتری برخوردار می‌باشد. کاملاً واضح است که سطح تحصیلات یک عنصر مهم است و این رابطه در سطح دکتری قوی‌ترین و در سطح کارشناسی ضعیف‌ترین است. به‌طور کلی، به نظر می‌رسد رابطه بین پژوهش و آموزش در آموزش عالی به عوامل مختلفی از جمله سطح برنامه، رشته و تعاریف اساسی مورد استفاده بستگی دارد (الکن و وولشاید^۱، ۲۰۱۶). جوشوه و آبی‌دین (۲۰۱۲) نیز بر این باورند که پیوند آموزش و پژوهش عمده‌تأ به‌عنوان یک چالش در سطح کارشناسی

¹. Elken & Wollscheid

مطرح است. همچنین رابرتسون (۲۰۰۷)، تیلور (۲۰۰۸)، گلیمر و همکاران (۲۰۱۵) و کولیک (۱۹۹۸) نقش عوامل زمینه‌ای چون رشته و مقطع را در شکل دادن به رابطه آموزش و پژوهش مهم می‌شمارند.

نتایج دیگر این پژوهش حاکی از آن است که رابطه آموزش و پژوهش می‌تواند تحت تأثیر عوامل پیش‌برنده یا بازدارنده دچار نوسان و تغییراتی شود. علاقه و انگیزه دانشجو، جهت‌دهی رابطه از طریق سیاست‌گذاری، هویت علمی استادان؛ پیونددهنده آموزش و پژوهش، تعهد کاری و سازمانی بالا، مزیت‌آفرینی در تحصیلات تکمیلی، گرایش به همکاری‌های مشترک و بین‌رشته‌ای و تعامل خوب با دانشجو به عنوان عوامل پیش‌برنده و بی‌انگیزگی و ضعف دانشجویان، عدم تطبیق آموزش و پژوهش با نیازها، غلبه انگیزه مالی در پژوهش و عدم حمایت دانشگاه، چالش و دشواری دوره کارشناسی نسبت به ارشد، ضعف ساختاری دانشگاه و زیرساخت‌های پژوهشی آن، ضعف کیفیت آموزش و پژوهش‌های دانشجویی و جهت‌دهی قوانین به فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی نیز به عنوان عوامل بازدارنده رابطه آموزش و پژوهش شناسایی شدند. چنانکه به زعم الکن و وولشاید (۲۰۱۶) سیاست‌های ملی و بین‌المللی می‌توانند ایجاد چنین پیوندی را تسهیل کنند، یا بر تنش‌ها تأکید کنند.

References

- Ahammed, F., Hassanli, R., Iqbal, A & Corcoran, P. (2017). Effectiveness of Teaching Research Nexus to Enhance Students' Learnings. World Engineering Education Forum.
- Akhmat, G., Zaman, K., Shukui, T., Javed, Y & Mushtaq Khan, M. (2014). Relationship between educational indicators and research outcomes a panel of top twenty nations: Windows of opportunity. *Journal of Informetrics*, 8, 349-361.
- Artésa, J., Pedraja-Chaparro, F., & Salinas-Jiménez, M. (2017). Research performance and teaching quality in the Spanish higher education system: Evidence from a medium-sized university, *Research Policy*, 46 (1), 19-29.
- Ashraf, S. S. (2010). Borrowing a little from research to enhance undergraduate teaching. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2 (2), 5507-5511.
- Bak, H-J., & Kim, D. H. (2015). Too much emphasis on Research? An Empirical Examination of the Relationship Between Research and Teaching in Multitasking Environments. *Research in Higher Education*, 56, 843-860.
- Barnett, B. (1992). Teaching and research are inescapably incompatible. *Chronicle of Higher Education*, p. A40.
- Barnett, R. (1991). Linking teaching and research: A critical inquiry. *Journal of Higher Education*, 63, 619-636.
- Bernnana, L., Cusack, T., Delahunt, E., & Kuznesof, S. (2019). Academics' conceptualizations of the research-teaching nexus in a research-intensive Irish university: A dynamic framework for growth & development. *Learning and Instruction*, 60, 301-309.
- Boyd, E. W, O'Reilly, M., Rendell Dr, K, Rowe, S., Wilson, E. (2012). "Friday is my research day": chance, time, and desire in the search for the teaching-research nexus in the life of a university teacher. *Journal of University Teaching & Learning Practice*, 9 (2).
- Brew, A. (2010). Imperatives and challenges in integrating teaching and research. *Higher Education Research & Development*, 29(2), 139-150.
- Buckley, C.A. (2011). Student and staff perceptions of the research-teaching nexus. *Innovations in Education and Teaching International*, 48 (3), 313-322.
- Calikoglu, A., Seggie, F. N., & Uslu, B. (2020). The Teaching and Research Nexus in Turkish Academia: Lessons from an international survey. *Higher Education Forum*, 17, 115-134.
- Clarck, T & Hordosy, R. (2019). Undergraduate experiences of the research/teaching nexus across the whole student lifecycle. *Teaching in Higher Education*, 24(3), 412-427
- Colbeck, C.I. (1998). Merging in a Seamless Blend How Faculty Integrate Teaching and Research. *Journal of Higher Education*, 69(6), 647-671.
- Corbin, J & Staruss, A. (2007). *Basics of Qualitative Research*. Third Edition. London: Sage Publications.
- Creswell, J. (2017). *Qualitative scan and research plan*. Translated by H. Danai fard, Tehran: Saffar [in Persian].

- Elken, M., & Wollscheid, S. (2016) The Relationship Between Research and Education: Typologies and Indicators: A Literature Review. Oslo: Nordic Institute for Studies in Innovation, research and Education, (NIFU), 8.
- Gal, M., Borg, v., & Joyce, G. (2015). *Quantitative and qualitative research methods in educational sciences and psychology* (Ahmad Reza Nasr, Hamidreza Arizi, Mahmoud Abolghasemi, Khosrow Bagheri, Mohammad Hossein Alamatsaz, Mohammad Jafar Pakseresht, Ali Delavare, Alireza Kiamanesh, Mohammad Khaier, Gholamreza Khoynnejad, Tehran: Samt Publications (published in original language 1941)[in Persian].
- Ghorchian, N., Jafari, P., Ghanei, M ., & Shayan, S. (2014). The link between teaching and research in the world's top universities: a review study with a conceptual model. *Education in Medical Sciences*, 14, 728-711[in Persian].
- Gilmore, J., Lewis, D. M.G., Maher,M., Feldon, D., & Timmerman, B E. (2015). Feeding Two Birds with One Scone? The Relationship between Teaching and Research for Graduate Students across the Disciplines. *International Journal of Teaching and Learning in Higher Education*, 27(1), 25-41.
- Griffiths, R. (2004). Knowledge production and the research-teaching nexus: The case of the built environment disciplines. *Studies in Higher Education*, 29(6), 709-726.
- Halsey, A. H. (1992). *The decline of donnish dominion: The British academic profession in the twentieth century*. Oxford, England: Clarendon.
- Hattie, J & Marsh, H. (1996). The Relationship Between Research and Teaching: A Meta-Analysis. *Review of Educational Research*, 66 (4), 507-542.
- Hejazi, A and Arasteh, H. (2012). Identifying and analyzing the role of educational, research and social services components on the productivity of faculty members of the university (case study of faculty members of Kharazmi University). *Two Quarterly Journals of Management at Islamic University*, 1(4), 669-686 [in Persian].
- Honigman, R. D. (1992). Research and teaching: A historical view Chronicle of Higher Education, pp. B3, B6.
- Hosseinzadeh, F., Firoozi, H., & Siah Posht Khachki, A. (2017). Moving towards the third generation of medical universities. *Journal of Yazd Center for Medical Education Studies and Development*, 12(4), 240-247 [in Persian].
- Jahed, H., & Khosravi, A. (2018). Educational and research competencies required by students to succeed in university life. *Teaching Strategies in Medical Sciences*, 11(1), 49-58[in Persian].
- Jalbert, T. (2019). Do business professors who excel at both teaching and research exist?. *Research in Higher Education Journal*, 37, 1-20.
- Jenkins, A. (2000). The relationship between Teaching and Research: where does geography stand and deliver?. *Journal of Geography in Higher Education*. 24(3): 325- 351.
- Jensen, J. (1988). Research and teaching in the universities of Denmark: Does such an interplay really exist?. *Higher Education*, 17, 17-26.
- Jusoh, R., & Abidin. Z.Z. (2012). The Teaching-Research Nexus: A Study on the Students' Awareness, Experiences and Perceptions of Research. *Procedia-Social and Behavioral Science*, 38, 141-148.
- Lai, M., Du, P & Li, L. (2014). Struggling to handle teaching and research: a study on academic work at select Chinese mainland universities. *Teaching in Higher Education*. 19 (8), 966-979.
- Lapoule, P., & Lynch, R. (2018). The case study method: exploring the link between teaching and research. *Journal of Higher Education Policy and management*, 40 (3), 1-16.
- Lee, R. (2004). Research and teaching: Making or breaking the links? *Planet*, 12(1), 9-10.
- Leisyte, L., Ender, J., & Boer, H. (2009). The balance between teaching and research in Dutch and English universities in the context of university governance reforms. *Higher education*, 58, 619-635.
- Light, D. (1974). Introduction: The structure of the academic professions. *Sociology of Education*, 47, 2-28.
- Lightfoot, S & Piotukh, V. (2015). The Research-Teaching Nexus in Politics and International Relations in the UK: A Survey of Practices and Attitudes. *journals.sagepub.com*, 35(1), 99-110.
- Macheridis, N., Paulsson, A & Pihl, H. (2020). Does the Humboldtian ideal meet employability? University teachers and the teaching-research relationship in marketized higher education. *Industry and Higher Education*, 34 (5).
- Malcolm, M. (2014). A critical evaluation of recent progress in understanding the role of the research teaching link in higher education. *Higher Education*, 67, 289-301.
- Manis, J. G. (1951). Some academic influences upon publication productivity. *Social Forces*, 29, 267-272.
- McKinle, J., McIntosh, S., Milligan, L & Mikołajewska, A. (2020). Eyes on the enterprise: problematizing the concept of a teaching-research nexus in UK higher education. *Higher Education*, 81(8), 1023-1041.

- Mirzaei, Z., Soltani, A., and Motahari nejad, H. (2018). Explaining the indicators of the third generation university and investigating the access of the higher education system to them, the case of the Shahid Bahonar University of Kerman. *Research and Planning in Higher Education*, 24 (3), 106-77[in Persian].
- Moraru, L. (2012). Conflicting Expectations in Terms of Quality Assurance in Teaching and Research. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 69,73 -78.
- Neumann, R. (1992). Perceptions of the teaching-research nexus: a framework for analysis. *Higher Education*, 23, 159-171.
- Neumann, R. (1994). The Teaching-Research Nexus: applying a framework to university students' learning experiences. *European Journal of Education*, 29 (1),3-14.
- Nuchwana, L. (2012). How to Link Teaching and Research to Enhance Students' Learning Outcomes: Thai University Experience. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 69, 213- 219.
- Olivares, D. R. & Gonzalez, C. (2018). Biology and medicine students' experiences of the relationship between teaching and research. *High Educ*, 76(1), 849- 864.
- Palali, A., Elk, R., Bolhaar, J., & Rud, I. (2018). Are good researchers also good teachers? The relationship between research quality and teaching quality. *Economics of Education Review*, 64, 40-49.
- Pana, W., Cottonb, D., & Murrayc, P. (2014). Linking research and teaching: context, conflict and complementarity. *Innovations in Education and Teaching International*, 51(3).
- Robertson, J. (2007). Beyond the 'research/teaching nexus': exploring the complexity of academic experience. *Studies in Higher Education*, 32(5), 541-556.
- Robertson, J., & Bond, c.(2001). Experiences of the Relation Between Teaching and Research: What Do Academics Value?. *Higher Education Research and Development*, 20 (1).
- Rakhshani, M. (2013). *The relationship between research and educational performance of faculty members (Case study: Faculty of Agriculture, University of Zanjan)*. Master's thesis. Faculty of Agriculture, University of Zanjan[in Persian].
- Ramsden, P. (1992). *Learning to teach in higher education*. New York: Routledge.
- Ramsden, P., & Moses, I. (1992). Association between research and teaching in Australian higher education. *Higher Education*, 23, 273-295.
- Rugarcia, A. (1991). The link between teaching and research: Myth or possibility? *Engineering Education*, 81, 20-22.
- Samadzadeh, H. (2000). *Investigating the factors affecting the primacy of education on research in universities from the viewpoint of faculty members of humanities faculties of Tehran public universities in the academic year 2000-2001*. Master's thesis. Faculty of Psychology and Educational Sciences, Tarbiat Moallem University [in Persian].
- Sample, S. B. (1972). The inherent conflict between research and education. *Educational Record*, 53, 17-22.
- Seldin, P. (1985). *Changing practices in faculty evaluation*. San Francisco: Jossey-Bass.
- Smalley, L.A.B., Rau, B.L., Neely, A. R ., & Evans. W. R. (2017). Factors perpetuating the research-teaching gap in management: A review and propositions. *The International Journal of Management Education*, 15 (3),501-512.
- Taylor, J . (2008). The teaching-research nexus and the importance of context: a comparative study of England and Sweden. *Compare*, 38(1), 53-69.
- Trice, A. J. (1992). The tensions between teaching and scholarship. *Chronicle of Higher Education*, p. B4.
- Turk, M., & Ledic. J. (2016). Between teaching and research: Challenges of the academic profession in Croatia. *Center for Educational Policy Studies Journal*, 6 (1), 95-111.
- Wallin, P., Adawi, T., & Gold, j. (2016). Linking teaching and research in an undergraduate course and exploring student learning experiences. *European Journal of Engineering Education*, 42 (1), 58-74.
- Weisner, S. G. (1992). Research and teaching: Are they incompatible? *Chronicle of Higher Education*, p. B6.
- White, A. (1986). *Teaching and research: Independent, parallel, unequal*. Unpublished manuscript, University of Wyoming, Laramie. (ERIC Document Reproduction Service No. ED 28 150).
- Visser-Wijnveena, G. J., Van Driela, J.H., Van der Rijsta, R.M., Verloopa, N., & Visserb, A. (2010). The ideal research-teaching nexus in the eyes of academics: building profiles. *Higher Education Research & Development*, 29 (2), 195-210.
- Zhang, L., & Shin, J.(2015). The research–teaching nexus among academics from 15 Beijing, Mainland China institutions. *High Education*, 70, 375-394.

Lived experiences of university faculty members from the education and research nexus¹

Fatemeh Talebian Sharif²

Rezvan Hosseingholizadeh*³

Mohammad Reza Ahanchian⁴

Abstract

Problem and goal: Education and research are the two main functions of universities and the usefulness of research for education is considered a universal assumption. However, the place of these two functions in higher education policy and practice is unclear. Therefore, the main goal of this research is to analyze the lived experiences of faculty members of the Department of Humanities (A) from the link between education and research in Ferdowsi University of Mashhad.

Methodology: To achieve this goal, qualitative research approach and descriptive phenomenological method were used. All faculty members of the Department of Humanities (A) who excelled in education and research at Ferdowsi University of Mashhad formed the studied population, which consisted of 48 people. Among them, 20 people were selected as key informants by purposive sampling method. A semi-structured interview was used to collect the required data. The resulting data were analyzed using the open and axial coding method.

Findings: Based on the findings of this research, fourteen main categories were identified and extracted with the aim of understanding the nature of education and the nature of research, seven main categories centered around the relationship between education and research, and fourteen main categories as factors promoting and inhibiting the relationship between education and research.

Conclusion: According to the lived experiences of the studied faculty members, there is a relationship between education and research in Ferdowsi University of Mashhad, and the direction of this relationship can be observed in both positive and negative ways. It seems that the relationship between research and education is relative according to the level of education and the nature of the field of study. As this relationship is the strongest at the doctoral level and the weakest at the undergraduate level.

Keywords: education, research, university, faculty members

1. The article is taken from the master's thesis (Date of defense 12/10/2021) of Fateme Talebian Sharif in the field of educational administration with the title "Lived experiences of faculty members of humanities from the teaching and research nexus at Ferdowsi University of Mashhad" under the supervision of Rezvan Hosseingholizadeh and consultation of Mohammad Reza Ahanchian in the Department of Educational Administration and Human Resource Development at Ferdowsi University of Mashhad.

2. M.A., Student, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. fateme_talebiansharif@yahoo.com

3. (Corresponding author). Associate Professor, Department of Educational Administration and Human Resource Development, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. rhgholizadeh@um.ac.ir

4. Professor, Department of Educational Administration and Human Resource Development, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. Ahanchi8@um.ac.ir